۳۶

میزان ۱۳۹۴
(اکتوبر ۲۰۱۵)


# همبستگی


نشریه حزب همبستگی افغانستان


## تنها با طرد اشغالگران و مزدورانش می‌توان به دموکراسی و رفاه رسید!

صفحه ۱



همبستگی

صاحب امتیاز: حزب همبستگی افغانستان

مدیر مسوول: سیدمحمود همرزم

شماره تماس: ۰۰۹۳-۷۰۰-۲۳۱۵۹۰

شماره جواز: ۸۷

**اهداف ما**

- افغانستان مستقل، آزاد، دموکراتیک و یکپارچه.
- وحدت ملی بر پایه استقرار و تحکیم دموکراسی استوار بر سکیولاریزم.
- تساوی حقوق زن و مرد و تمامی ملیت‌های کشور.
- مبارزه بر ضد هر نوع بنیادگرایی، ارتجاع و مداخلات خارجی.
- خروج فوری نیروهای اشغالگر امریکایی و ناتو از افغانستان.
- دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و مترقی ملل دربند جهان.

## در این شماره:

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵




# تنها با طرد اشغالگران و مزدورانش می‌توان به دموکراسی و رفاه رسید!




از تجاوز آشکار امریکا و متحدانش بر افغانستان چهارده سال گذشت. اشغالگران با دسیسه خاینانه‌ی «مبارزه با تروریزم» وارد میدان شدند و با قتل و غارت، رشد بی‌سابقه مواد مخدر و آفرینش جنگ و چاق نمودن جنایتکاران و هیروییین‌سالاران، این سرزمین را به گورستان مردم بی‌دفاع مبدل کردند. اشغالگران برای اهداف استراتژیک و اقتصادی شان مجهزترین پایگاه‌های نظامی را در افغانستان مستقر ساخته‌اند که تا سالیان دراز سرزمین ما را در آتش جنگ و وحشت شعله‌ور نگهدارند.

غارتگران امریکایی و هم‌پیمانان‌شان در همان اوایل اشغال افغانستان گلو می‌دریدند که دگر طالبان و تروریزم شکست خورده‌اند. اما زمان نیات شوم و دروغ‌پراکنی‌های متجاوزان و قلاده‌بدستان روشنفکرشان را با تشدید ناامنی‌ها در سرتاسر افغانستان و سقوط کندز به خوبی برملا ساخت.

سیاست‌های شیطانی چهارده سال گذشته این آگاهی را به مردم ما داد که

تروریزم حربه امریکا برای جهانکشایی و به بردگی کشانیدن ملت‌هاست. تبلیغ، تجهیز و تمویل داعش از سوی امریکا در افغانستان و سایر نقاط جهان، ادامه همان سیاست شیادانه‌ایست که تحت عناوین اخوانی، القاعده، طالبان و جانیان بنیادگرای دیگر به یاری آی.اس.آی پاکستان و دولت‌های مزدور در این بیش از چهار دهه بر مردم ما تحمیل گردیده است. و این بار داعش نه‌تنها افغانستان که سوریه، عراق و کشورهای دیگر را در توحش عصر حجری فرو برده است.

کشته شدن بیش از سیصدهزار افغان بی‌دفاع توسط نیروهای امریکایی و ناتو، بمباردمان‌های کور ویرانگر در گوشه گوشه کشور، آزمایش بم‌های کیمیاوی، بی‌حرمتی و شاشیدن بر اجساد کشته‌شدگان، تجاوز به عفت زنان و در این اواخر بمباران فجیعانه شفاخانه داکتران بدون مرز در کندز و شهادت پرسونل بی‌دفاع و بیماران مظلوم آن و...، حاصل دموکراسی بی۵۲ متجاوزان است که مزدوران روشنفکر و مدافعان آن با کمال وقاحت و بی‌شرمی از مردم می‌طلبند تا مدیون فداکاری و همکاری‌های ارتش جنایت‌پیشه امریکا و ناتوی غارتگر باشیم.

امریکا ابتدا از طریق کرزی و اطرافیان خاینش میلیاردها دالر به جیب خودفروخته‌ترین و ضدملی‌ترین عناصر و باندها ریخته از آنان سلاطین مافیایی و خونخوار ساخت و اکنون اکثریت این غلامانش را در حکومت ناقص‌الخلقه‌ای گردهم آورده تا این پوشالیان، کشور ما را آسان‌تر مطابق میل اربابان شان میدان خالی برای هر نوع خونریزی و جنایت سازند. اشغالگران یک افغانستان غرق بدامنی و بی‌ثباتی و جنگ را برای صدور تروریزم به آسیای مرکزی و ضربه زدن به رقبای‌شان بخصوص روسیه و چین در نظر گرفته‌اند که قربانیان اصلی این سیاست محیلانه مردم نگونبخت ما اند.

«حزب همبستگی افغانستان» با هم‌ردیف شمردن هفتم اکتوبر روز اشغال افغانستان توسط امریکا و ناتو با سیاه‌روز ۶ جدی ۱۳۵۸، قویا آن را محکوم نموده و با غریو آزادیخواهانه خواهان خروج بی‌قید و شرط تمامی اشغالگران و مداخله‌گران از سرزمین خویش می‌باشد.

«حزب همبستگی افغانستان» بار دگر به مردم غیور خویش و تمامی تشکل‌ها و شخصیت‌های بیدار کشور گوشزد می‌نماید: در لحظاتی که میهن در بند ما در خون و خیانت می‌جوشد و با دسایس بی‌شمار از شمال تا جنوب و

از فراه تا کندز در آتش دهشت و خون‌ریزی می‌سوزد، خاموشی و بی‌تفاوتی ننگ ابدی پنداشـــته می‌شــود. باید با اســتفاده از هر امکان و موقع، بازی‌های رذیلانه و ضدملی غداران و بخصوص مزدبگیران روشنفکرنمای شان را خنثی نمود و به مردم آگاهی داد تا برای نبرد اســتقلال‌طلبانه بسیج گردند. هیچ ملتی را ســراغ نداریم که بدون ایستادگی و مبارزه، به آزادی، دموکراسی و عدالت رسیده باشد.

**با وحدت و خیزش سراسری، به متجاوزان و مزدوران داخلی شان درس عبرت دهیم!**

**ملتی که استقلال نداشـت، هرگـز به دموکراسـی، عدالت و رفاه نخواهد رسید!**

حزب همبستگی افغانستان

۱۵ میزان ۱۳۹۴ (۷ اکتوبر ۲۰۱۵)

---

# راهپیمایی حزب همبستگی در تقبیح اشغال افغانستان توسط امریکا و ناتو

**۱۶ میزان ۱۳۹۴ - کابل:** «حزب همبســتگی افغانستان» راهپیمایی را در تقبیح اشــغال افغانستان توســط امریکا و ناتو برگزار نمود که بیشــتر از ۵۰۰ زن و مرد در آن شــرکت ورزیــده بودند. معترضــان پلاکارت‌هایی حاوی تصاویر از جنایــات امریکا و نیروهای ناتو در افغانســتان را با غریو شــعارهای خروج نیروهای اشغالگر و چاکران داخلی شان حمل می‌نمودند.

قابل ذکر اســت که در این راهپیمایی قربانیان قتل‌عام شاه شهید نیز شرکت ورزیــده بودند. کاکا ظاهر، پــدری که چندین عضو خانــواده‌اش را در این جنایت از دســت داده اســت، به نمایندگی از باشــندگان درددیده شاه‌شهید با گلوی پربغض گفت:

«زمانی که ما دســت به اعتراض در ســرک مســیر کارته نو به

سوی چمن حضوری زدیم و این جاده را مسدود نمودیم، شام همان روز نماینده ریاست‌جمهوری یکجا با ولایت کابل به دیدار ما آمدند و مهلت بیست روزه خواسته و وعده سپردند که خواست‌های ما رسیدگی خواهند کرد. اما امروز که بیشتر از سی روز می‌گذرد، هیچ خبری نیست. این دولت فقط دروغ و فریب بلد است. مردم علیه این دولت خاین قیام کنید! مردم علیه این دولت خاین قیام کنید!...»

**سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی در سخنرانی‌اش گفت:**

«سیاست‌های شیطانی چهارده سال گذشته این آگاهی را به مردم ما داد که تروریزم حربه امریکا برای جهانکشایی و به بردگی کشانیدن ملت‌هاست. تبلیغ، تجهیز و تمویل داعش از سوی امریکا در افغانستان و سایر نقاط جهان، ادامه همان سیاست شیادانه‌ایست که تحت عناوین اخوانی، القاعده، طالبان و جانیان بنیادگرای دیگر به یاری آی.اس.آی پاکستان و دولت‌های مزدور در این بیش از چهار دهه بر مردم ما تحمیل گردیده است.

"حزب همبستگی افغانستان" بار دیگر به مردم غیور خویش و تمامی تشکل‌ها و شخصیت‌های بیدار کشور گوشزد می‌نماید: در لحظاتی که میهن در بند ما در خون و خیانت می‌جوشد و با دسایس بی‌شمار از شمال تا جنوب و از فراه تا کندز در آتش دهشت و خون‌ریزی می‌سوزد، خاموشی و بی‌تفاوتی ننگ ابدی پنداشته می‌شود.»

**در اخیر، جوانان حزب همبستگی تیاتر خیابانی‌ای را ترتیب داده بودند که در آن جنایات علیه زنان توسط طالبان جانی، اربکی‌های ستمگر و دولت دست‌نشانده تحت سایه‌ی امریکا را به تصویر کشیده بود.**


که زه راپاخیږم
که ته راپاخیږې
ټول به راپاخیږي!
پایگاه‌های
امریکایی
حزب همبستگی افغانستان
HAMBASTAGI.ORG
با بسیج همگانی علیه اشغالگران و چاکران داخلی شان به پا خیز
HAMBASTAGI.ORG


قتل‌عام شاه‌شهید
بلکه نتیجه اصابت
پایگاه‌های
امریکایی
=
قبول زنجیر اسارت و ذلت!
حزب همبستگی افغانستان
HAMBASTAGI.ORG


حزب همبستگی افغانستان
ارمغان امریکا:
قتل و کشتار بی‌گناهان!
را گرفتنی هستیم!
HAMBASTAGI.ORG


تا طالبان نکتایی‌پوش در ارگ اند،
بربریت و غدر طالبی و تنظیمی و داعشی
ادامه خواهد داشت!
HAMBASTAGI.ORG


HAMBASTAGI.ORG


حضور نیروهای اشغالگر در افغانستان،
فجایع بیشتر از نوع کندز را به بار
حزب همبستگی افغانستان
HAMBASTAGI.ORG

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

نویسنده: رها آرزو

# «منار علم و جهل»
# نماد مبارزه علیه بنیادگرایی



در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴) شماری از ملاها و روحانیون افراطی به تحریک انگلیس‌ها علیه دولت امان‌الله خان دست به تبلیغ زده مردم را به شورش واداشتند. آنان تمامی اصلاحات دوره امانی را خلاف دین اسلام خوانده، این شاه مترقی و وطندوست را کافر و جهاد علیه او را فرض اعلان کردند. همین باعث بروز اغتشاش سمت جنوبی گردید. دولت با آنکه موفق به سرکوب باغیون گردید اما صدها تن از سربازان دولتی در آن جان باختند که به پیشنهاد امان‌الله خان بنای یادبودی به نام «منار علم و جهل» در کابل برای تجلیل از خودگذری آنان اعمار گردید که تا کنون در جوار باغ وحش کابل پابرجاست.

استا اولسن انسان‌شناس و نویسنده دنمارکی واقعه خوست را که در آن بنیادگرایان علیه دولت مردمی امان‌الله خان اغتشاش نموده بودند در کتاب «اسلام و سیاست در افغانستان» (ترجمه خلیل الله زمر، ص ۱۳۱ – ۱۳۳) چنین شرح می‌دهد:

«اغتشاش خوست در مارچ ۱۹۲۴ بر ضد اصلاحات اجتماعی دولت امانی برهبری ملا عبدالله مشهور به ملای لنگ و سایر ملاهای آن سمت به تحریک و رهنمایی روحانیون پرنفوذ مرکز به راه افتاد. در اغتشاش خوست یکی از مریدان حضرت صاحب شوربازار بنام عبدالغنی، قبایل سلیمان‌خیل را در کنار ملاعبدالله و ملا عبدالرشید سهاکی قرار داد. این دو ملا در دستی قرآن و در دست دیگر قانون جزا را گرفته در میان قبایل که متأسفانه از سواد و دانش بی‌بهره بودند فریاد میزدند: کدامیک را قبول دارید! قرآن یا قانون را؟ و طبعاً مردم میگفتند: قرآن را و سپس مردم را بشورش دعوت میکردند.»



ملا عبدالله مشهور به ملای لنگ سرغنه شورشیان جنوبی که در واقع ملاعمر عصر امانی بود و بالاخره به تاریخ ۴ جوزای ۱۳۰۴ به جزای اعمالش رسیده در تپه مرنجان تیرباران شد.

**برای مهار این وضعیت، حکومت لویه جرگه‌ای را فراخواند تا راه حل مناسب جستجو نماید. لویه جرگه با تعدیل برخی مواد برنامه اصلاحات، هیاتی را به ریاست نورالمشایخ غرض مذاکره نزد شورشیان فرستاد تا تذکر بدهند که تمام مواد قانون با شریعت اسلام تطبیق داده شده و هیچ ماده‌ای در تضاد با اسلام نیست. اما مذاکره با شورشیان نتیجه مطلوب به بار نیاورد، زیرا نورالمشایخ قسماً اعتراضات ملای لنگ را تایید کرده به شاه بازگو نمود، مگر شاه حاضر نشد به خواهش شورشیان نظامنامه اساسی و قانون جزا را لغو کند.**

**زنده‌یاد میر غلام محمد غبار در «افغانستان در مسیر تاریخ» (جلد اول، ص ۸۰۸) در این مورد می‌نویسد:**

«از کابل غندمشر عبدالحمید خان معاون رئیس ارکانحرب و غندمشر محمد اسمعیل خان با هشت‌صد عسکر (موسوم به جان فدا) برای باز کردن کوتل تیره و پیوستن به وزیر حربیه در گردیز سوق شد، ولی در موضع بیدک لوگر در نتیجه یک شباخون هولناک شورشیان تا نفر اخیر کشته شدند.»

**انگلیس که خود را در این توطئه پیروز می‌دانست دست به مداخله مستقیم زد و یک تن هندو به نام عبدالکریم را زیر نام پسر امیر محمد یعقوب خان داخل قوم ځدران پکتیا نمود که رهبری اغتشاش را به دست گرفت. در آغاز جنگ به نفع شورشیان پیش می‌رفت چون از یک سو بودجه دولت به اتمام رسید و از سوی دیگر ۸۰۰ عسکر دولت به یکبارگی کشته شدند که این ضربه سختی بر پیکر رژیم نوپای امانی بود. در همین دوره بود که عبدالکریم با حمایت انگلیس‌ها در پکتیا دعوای امارت نمود و دولت از این فرصت سود برده علیه او تبلیغات به راه انداخت.**

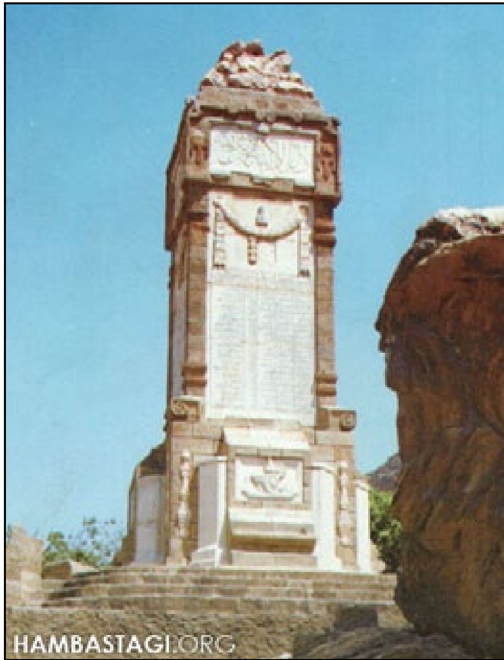


نورالمشایخ مشهور به حضرت شوربازار از اجداد صبغت‌الله مجددی بود که منحیث یک فرد مرتجع و خاین همیشه در خدمت بیگانگان و رژیم های مستبد قرار داشت.

**از آنجایی که اکثریت مردم افغانستان از خدمات دولت امانی راضی و ممنون بودند، جمع وسیع یک‌صدا علیه این اغتشاش جاهلان برخاستند که منجر به سرکوب آن شد. میر غلام محمد غبار در «افغانستان در مسیر تاریخ» (جلد اول، ص ۸۰۹) می‌نویسد:**

«...همینکه دانستند اغتشاش پاکتیا ماهیت مذهبی نی، بلکه ماهیت سیاسی و آنهم به مداخله دولت انگلیس دارد، همه به حمایت دولت برخاستند و بر ضد نفوذ خارجی متحد گردیدند. پس ولایات شمالی افغانستان اعزام ده هزار سواره و ولایت ننگرهار اعزام هفده هزار نفر مسلح برذمه گرفت، و از کاپیسا و پروان قطعات

امدادیه رسید. مردم هزاره به شاه نوشتند که ما در جنگ برادران پاکتیایی تا حال مداخله نکردیم ولی اکنون که دست خارجی توسط عبدالکریم هندی در افغانستان دراز شده، ما حاضریم که تا پنجاه هزار مرد مسلح به دولت تقدیم نمایم. در خود پکتیا نیز احساسات عمومی بعد از ورود عبدالکریم هندی انگیخته شده بود،



منار علم و جهل

چنانکه مردم جاجی و خمکنی طرف دولت را التزام کردند، و هندوهای خوست تغذیه عسکر دولت را بذمه گرفتند. شهر کابل تادیه معاش سه کندک نظامی اعزامی در لوگر را پذیرفت، و بعضا زنان کابل زیورات خود را به دولت اعانه دادند. سه هزار شاگردان مدارس کابل از وزارت حربیه تقاضای اسلحه و شمولیت در میدان جنگ نمودند، و عده‌یی هم به خوست سوق گردیدند. تعلیمات نظامی نیز در مدارس آغاز شد و قوای امدادی بلخ و قندهار در کابل ریختن گرفت.»

**در آن دوران هندوهای افغانستان منحیث شهروندان اصیل کشور با جان و دل از دولت حمایت کرده در این جنگ سهم بزرگ ادا کردند. جریده «حقیقت» به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۰۳ ضمن «اظهار امتنان از همدردی و وفاکیشی هندوها»، در گزارشی تحت عنوان «همدردی اهل هنود سمت جنوبی با عساکر افغانی» نوشت:**

«... حسیات اهل هنود و مردمان این اطراف و اکناف با عساکر اسلامیه افغانی ما نهایت همدردانه و وفاکارانه است... در بعضی

اوقاتی که موقتا سلسـلـه وصول ارذاق و معاشــات و دیگر لوازمات عسـکریه بواسـطه قطع سلسـلـه راه عبور و مرور از طرف اشـقیا منقطع و مسـدود میشـد هرگونه ضروریات و لوازمات قشـونی را مردمـان اهل هنود آنجا بکمـال خرمی و طیف رضا برای فوجی‌ها بهم میرسانیدند.»




خوانین شینوار در عصر امانی که طرف لشکر جهل ملای لنگ را گرفتند اما به زودی سرکوب شدند.

**سـپس محمود طرزی (که سـفیر افغانسـتان در پاریس بود) فوراً خود را به کابل رسـانید و همراه با محمد ولی خان (وزیر حربیه) برای آرام سـاختن شورش تدابیر لازم و سـنجیده گرفتند در نتیجه این زحمات و همکاری وسیع مردم، شورش سرکوب و سران باغی فراری شدند. درین میان ملای لنگ و ملا عبدالرشـید که به کوه‌ها پناه برده بودند توسـط مردم دستگیر و تسلیم دولت داده شدند.**

**شـورش جنوبی نتیجه شـرافکنی های انگلیس‌ها بود که می‌کوشـیدند به این صورت از مردم پکتیا که در جنگ سـوم افغان ـ انگلیس با شـهامت تمام نیروهای اشغالگر را شکست داده بودند انتقام بگیرند. مهار این شورش که بیش از یکسال به طول انجامید بار سنگینی بر دولت امانی بود. تقریبا مالیات یکساله در آن به هدر رفت و متعاقبا در لویه جرگه پغمان شـاه امان‌الله مجبور شـد که با روحانیون مرتجع از راه مماشـات پیش رفته بخشـی از برنامه اصلاحاتش را کنار گذارد.**

**بنـای یادبود «منار علـم و جهل» در دامنه کوه شـیردروازه کابل به دلیل داشـتن بار سـنگین و پرمعنی ضدیت با روحانیون اجیر انگلیس، از سوی هیچ**

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

**دولتی تبلیغ و قدردانی نگردید. به همین دلیل این منار بسیار ناشناخته مانده است.**




**در پای این منار، نام و مشخصات تمامی کسانی که در «مقابله جهل و علم» شهید شدند درج است و در قسمت بالایی منار متن ذیل به چشم می‌خورد:**



(۲۳ جوزای ۱۳۰۴): مراسم افتتاح منار علم و جهل

«نظر به فداکاریهای قیمتدار فرزندان رشید وطن و شیرمردان غیور ملت که در محاربهٔ جهال بغاوت‌پیشهٔ سمت جنوبی که فی‌الواقع یک مقابلهٔ جهل وعلم بود، در سنه ۱۳۰۳هجری شمسی عصر اعلیحضرت، محیی ملت افغان پادشاه ترقیخواه افغانستان الغازی (امیرامان‌الله خان) بمقابل ارتقای ملی و اعتلای علم و تمدن رخنمود بکمال متانت و پایداری در حفاظه شرف و عزت دولت متبوع خودها و طرفدار علم و معرفت بمدافعه اشرار بغاوت شعار و محاربهٔ گمراهان تبهٔ روزگار و ازالهٔ ارادات باطله شان کوشیده داد همت و غیرت اسلامی را دادند و حیات خود را فدای ترقیات مملکت و قربانی اولوالامر مقدس خودشان کرده برای

خود حیات جاوید و نکونامی تاریخی حاصل کردند. این یادگار باسعادت و افتخار بتاریخ ۲۳ جوزا ۱۳۰۴ شمسی تاسیس یافت تا وطن‌دوستیها و معارف‌خواهی‌های آن فداکاران راه حقانیت را اولاد آینده وطن بنظر تمجید و بازماندگان شانرا بنگاه احترام دیده افراد حساس و احفاد {فرزندزادگان} حق‌پرست افغانرا دلیل رفتار و سرلوح افتخار باشد.»




حقیقت
۱۳۰۳

مجلس مجازات خاینین سمت جنوبی
در وزارت حربیه

ملاے لنگ رفیق

خبر مراسم اعدام ملای لنگ و ۵۲ تن از شرکای جرمش در جریده «حقیقت» (۶ جوزای ۱۳۰۴)

**به تاریخ ۴ جوزای ۱۳۰۴ ملای لنگ و ملا عبدالرشید با ۵۱ تن از همدستان شان بعد از اینکه حکم اعدام بر آنان صادر شد، طی مراسمی در تپه مرنجان اعدام شدند و چندصد تن دیگر به ولایات شمالی تبعید شدند. امان‌الله خان طی نطقی در مراسم «چانماری» این ۵۳ تن، که در جریده «حقیقت» (۶ جوزای ۱۳۰۴) منتشر شد، گفت:**

«حقیقتاً برای ملت و حکومت ما سزا دادن یک قوم که افرادش را به خون جگر پرورش داده بودیم و از آن‌ها چشم خدمت داشتیم بسیار جای افسوس است لیکن چه کنم یک دانه که به هیچ صورت علاج آن نشود و به صحت تمام بدن ضرر برساند چون در وجود پیدا شود انسان مجبور است که آن دانه را ببرد. گویا این خاینین یک دانه سرطان بودند که به وجود مملکت ما برآمدند حالا لازم است که آنرا قطع نمایم تا به وجود وطن دیگر ضرر نمانده مملکت به حیات دایمی

خود پایدار بماند.

ای کاش اینقدر تلفات را که اولادهای عسکری و دیگر اولادهای ملکــی‌ام، و این فرزندان جاهل و نادانم دریــن مقابله علم و جهل دادنــد، برای بهبود مملکــت و آبادی ملت می‌بود تا ما مســرور و خوشوقت بوده و بدبختان باینطور فلاکت و تباهی مبتلا نمیشدند.»

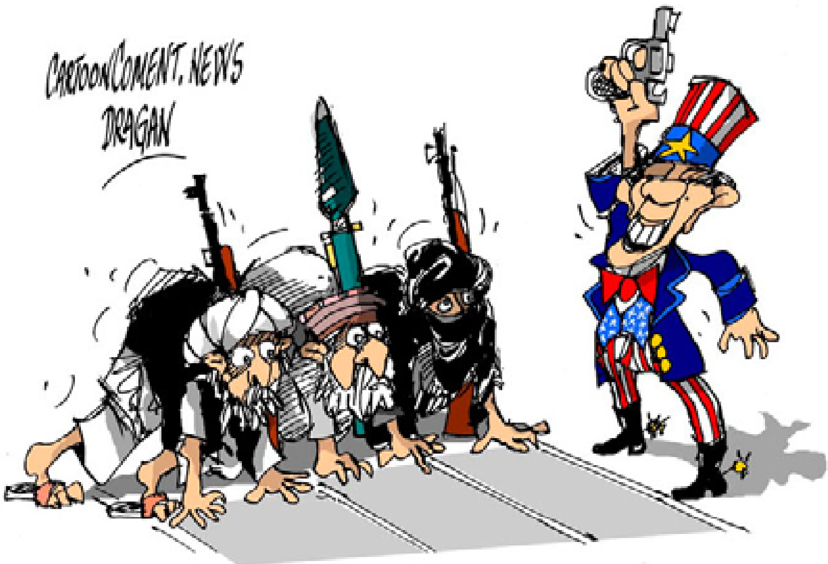



**در میان کســانیکه علیه دولت امانی دسیســه نموده بودند اجداد صبغت‌الله مجددی نیز سهم فعال داشــتند. غبار در «افغانستان در مسیر تاریخ» (ج ۱، ص ۸۰۸ ) در این باره می‌نویسد:**

«در همین سال بود که شاه امان‌الله بالای نورالمشایخ مجددی (حضرت فضل عمر مجددی) {مشهور به حضرت شوربازار} مشتبه شــد و خواســت او را محبوس نماید، ولی شمس‌المشایخ مجددی (حضــرت فضل محمد مجددی) که مرد مجاهد و ضد اســتعمار و هم طرفدار آزادی ســرحدات از نفوذ انگلیس بود، نگذاشت چنین شــود، پس شــاه ... از حبس نورالمشــایخ منصرف شد مشروط بر اینکه از افغانســتان خارج گردد. نورالمشــایخ با عایله خود سرحد افغانســتان را عبور کــرد و در دیره اســماعیل‌خان و کویته اقامت اختیار نمود، ولی حکومت افغانی یادداشتی به انگلیس‌ها فرستاده و دور شــدن نورالمشایخ را از ســرحدات نزدیک افغانستان تقاضا کرد، پس نورالمشایخ به علاقه بمبئی اعزام گردید.»

اگر دیروز انگلیسها با توسل بر ملای لنگ کوشیدند افغانستان را به سوی جهالت و تاریکی سوق دهند، اینک بیش از سه دهه می‌شود که دولت امریکا با تمویل و تجهیز بنیادگرایان تنظیمی و طالبی و داعشی و گسیل آنان بر وطن ما کوشیده است تا افغانستان را در سیاهی و بدبختی فرو برد و دولتهای مستبد و مرتجع ایران و پاکستان هم سهم مهمی در تباهی وطن ما داشته اند. ملاعمرها، گلبدین‌ها، ربانی‌ها، سیاف‌ها، ملاتره‌خیل‌ها، محسنی‌ها، اسماعیل‌ها و غیره همه «ملای لنگ» های عصر حاضر اند که باید در یک محکمه مردمی «چانماری» شوند.

برماست تا به رسم نیاکان با پرچم علم و ترقی برخاسته جهل و جنایت را به زباله‌دان تاریخ بسپاریم. تا وقتی ملت ما بر راهیان ظلمت، این لشکر استعمار پیروز نشده اند، افغانستان روی خوشبختی و آبادانی را نخواهد دید.




**امریکا انواع تروریست پرورش می‌دهد**

کارتونیست: Dragan



نویسنده: نصرت

# ساخت منار شهید فرخنده به همت جوانان همبستگی و مساعدت مردم




ساعت ۱۰ قبل از ظهر است و قدم زنان از کنار دریای کابل به قصد پل باغ عمومی کابل آهسته آهسته روان بودم که چشمم به جمعی از جوانان دختر و پسر افتاد که مشترکا مصروف کار روی منار شهید فرخنده اند. مناری که چندی قبل اعلام ساخت و سازش را از سوی «حزب همبستگی افغانستان» خوانده بودم. اینان اعضای رهبری و کارمندان حزب همبستگی اند که داوطلبانه و با شور و شوق گردهم جمع شده اند تا با اعمار بنای یادبود، زن‌ستیزی جنایت‌کاران لمیده بر سرنوشت مردم را به نمایش گذارند.

از اصل مطلب دور نشوم که چند روز قبل نیز شاهد مظاهره پرجوش و اجرای تیاتر خیابانی توسط این جوانان بیدار اعم از دختر و پسر طی مظاهره تقبیح ۱۴مین سالروز تجاوز امریکا به افغانستان و جنایات هولناک طالبان در قندوز بودم که با نمایش زیبای شان مردم را شگفت‌زده ساخت و با استقبال

اهالی آن ساحه رو برو شد.
و اما اینجا در کنار منار شهید فرخنده، تعدادی جوانان مصروف قالب‌کاری (نجاری) قسمت اول منار اند و دختران جوان نیز مصالح ساختمانی آماده می‌سازند. رهگذران هم با شاباش‌گویی و دلگرمی رد می‌شوند و شماری هم چند بیل سمنت را به نشانه همدلی و همکاری به پای منار می‌اندازند و اجازه گرفته به راه خویش روان می‌شوند.
من نیز وقتی این شور و شوق کار جمعی و تجمع رهگذران را دیدم پشت کاری که روان بودم، نگشتم و در اینجا ماندم تا دریابم اعضای رهبری و دختران همبستگی هم مثل سایر رهبران و روشنفکران چند بیل می‌اندازند و عکس یادگاری خود را می گیرند و صحنه را ترک می کنند یا خیر؟ خوشبختانه آنطور نبود. آنان تا ساعت ۴ عصر همانند کارگران پرکار کار ریخت منار را به درستی انجام دادند. در جریان کار شما هیچ تفاوتی را در بین اعضا و رهبری نمی‌یابید همگی با شور و شوق می خندند و هرکس به اندازه توان خود سهم میگیرد. چیزی که باعث دلگرمی و اثر گذاری بر روح و روان من شد.
اینجا محل مزدحم شهر است و زمینه مساعد گردیده تا با افراد و دیدگاه‌های مختلف شان سر بخورید و بشنوید از نابسامانی‌ها و هزار و یک درد جانسوز. مادری آمد مکثی کرد، بر روان شهید فرخنده دعا خواند و مدد جست و روی یکی از دختران را که مصروف کار بود بوسید و گفت: «کار شجاعانه را پیش گرفته‌ای آفرینت» و به راهش ادامه داد. شخصی با چهره سوخته و دوسیه در دست و رنج تمام عالم بدوشش آمد و بعد از سلام خطاب به یکی از اعضای رهبری همبستگی گفت: «ای شما که برای فرخنده شهید منار می‌سازید دختر جوان مرا پسر رییس امنیت غزنی که خانمش می‌شده، بیرحمانه کشته است و بهانه آورده که او خودکشی کرده، حالا به هر اداره ذیربط دولتی که می‌روم چون طرف پول رشوه را قبلا پرداخت کرده و زورمند هم است با خشونت میگویند: برو که تو را هم پیش دخترت روان می کنیم. آیا می‌توان برای دادخواهی دخترم کاری کرد؟». (امید دوستان همبستگی داستان غم‌انگیز این پدر ماتم‌دار را با تمام جزییات تعقیب و به سمع مردم برسانند.)
کسی آمد و گفت: «عکاس آزاد هستم» و از صحنه کار عکس‌اش را گرفت و چند دقیقه نشست و از فعالیت های حزب همبستگی پرس و پال کرد. فرد دیگری وعده کمک ۵ خریطه سمنت را داد. پدری که در حدود ۵۰ - ۵۵

سال عمر داشت با صفا و صمیمیت در کنار سایر مردم بیل زد و ۴۵ دقیقه کار کرد و رفت پشت کارش. این پدر ساعت ۱ ظهر با بسته‌های آماده غذا برگشت و گفت: «شــما با افتخار مهمان امروز من هستید» بعدا خود را معرفی کرد که صاحب یک هوتل درهمین نزدیکی‌ها می‌باشد.

جوان حزب همبستگی که بیل در دستش سمنت را با ریگ مخلوط می‌کرد در پاسـخ به ســوال یکی از هموطنان ما در مورد مصارف ســاخت منار شهید فرخنده و ســایر فعالیت حزب ساده گفت: «این منار به همت حزب همبستگی و کمک مردم ســاخته خواهد شد. وقتی اراده قوی باشد و همگان مثل امروز داوطلبانه در تمام فعالیت‌ها شــرکت کنند و خورد و برد و چپاول انجیویی در میان نباشد با مبلغ کوچک که مردم شریف ما، نهادهای خیراندیش و شخصیت هــای ملی مســاعدت می‌کنند، نه تنهــا این منار بلکه کارهــای بزرگی در این کشور آباد خواهد شد. شما مجموع پول ده شهرک رهایشی و بلند منزلهای ده جنگسالار را جمع کنید چند ولایت افغانستان به صورت واقعی آباد می‌گردد.»

باید یادآور شد که این منار به ارتفاع ۱۰ متر از کف دریای کابل به همت جوانان دختر و پســر همبستگی و مســاعدت مردم که کارش اکنون به شدت جریان دارد اعمار خواهد شــد. بنا آنانیکه قصــد دارند در اعمار و دیزاین آن سهم شایســته ادا نمایند وقتش فرا رسیده است تا از هیچ نوع همکاری دریغ نه نمایند.




HAMBASTAGI.ORG


AMBASTAGI.ORG


HAMBASTAGI.ORG

لیکونکی: بهروز پویان

# کندز د ځناورو طالبانو او ملي وحشت حکومت د بی‌پروایی په اورکې وسوځیده



د طالبانـو پـه لاس د کندز د را پرځیـدو وروسـته، پـه دی ښار کې اور ولګید او مظلوموو اسـیدونکو یـی بشـری ضد جنایتونه وزغمل.

د ملی ځناورتوب حکومت په یوی پټی معاملی سره دغه ښار ځناورو طالبانو ته وسپاره او هغوی هم یو ځل بیا خلکو ته په لوټونی، جنسی تیری او ډله‌یزی وژنی سره خپله شډلتیا او بی‌رحمی وروښودله.

تیـرو څو ورځو کـې د طالبانو او امنیتي ځواکونو تر منځ د ښـار په کوڅو کې سـخته جګړه روانه ده. د نورو جنګونو پـه څیر، د جګړی اصلی قربانیان بی ګناه خلک دي چې د جګړی په منځ کې ښـتي دي او د وتلو هیڅ کومه لاره هـم نـه لري، خپلو کورونو کي بند پاتی دي. پـه دی منځ کې اربکیانو او تنظیمي قومندانانو د خلکو د شـتمنیو په لوټونی کې د طالبانو سـره لاس یو کړی دی.

دولتی اداری چې د هغی له جملی نه د ملی امنیت دفتر، ولایت، د امنیی

قوماندانـی، بانکونه، دسـروزرو پلورونکې هتې، د دولتـي چارواکو کورونه، د یوناما دفتر او غیر دولتي موسسـی د طالبانو پوسـیله لوټ شـوي دي. او په حـال کـې طالبانو د دولتي چارواکو په وژنـه هم لاس پوری کړی چې د هغی ډلـی نه د چهار دری ولسـوالی ۴۰ تنه د ملی امنیـت کارکوونکې د قریبتم په کلی د چارمار کیدو ذکر وکړ.



پـه تیـرو ورځـو کـې، د ع او غ حکومـت د کندز ښـار د بیا نیونی ادعـا کوي او رسـنۍ هم د حکومت په سـترو ستړو ویلو سره د خلکو په غولونی اوښـتی دي، په داسی حال کې چې د کندز ښـار اوسـیدونکې د پرلپسـی اړیکـو په نیولو سـره په هغوی د طالبانـو د حاکمیت څخه خبـر ورکړی او د رسنیو په درواغو قهرجن دی.

د ځایـی خلکو د وینا پر بنسـټ پـه دی نښـتو کـې د ۴۵۰ تنو څخه زیاد د ښـځو او ماشـومانو په ګډون وژل شـوي دي او په زرګونو نور ګاونډیو ولایتونـو ته تللی دی. خو اوس هم د خلکو د تلفاتو کره شـمیره په لاس کې نشته.

د ناټو د وروسـتني بمبار له امله د «بی پولي ډاکترانو په مرکز»، سـپین زر شـرکت، سه درک، دخیابان جومات، باغ شرکت او انګور باغ خلکو ته بی شـمیره تلفات اوښـتي دي. د ځایي خلکو په وینا طالبانـو په زور ډاکټران د کورونو نه روغتون ته وړي چې نږدې د ناټو په بمبار کې یو ځای د بستر شوو مریضانو او د روغتنون د نور کارکونکو سره چې شمیر یي ۵۰ تنو ته رسیږي ځانونه د لاسه ورکړی.

هـ. ن. د دی ښـار یوه تن هتی وال چې د کورنۍ سـره یو ځای په جګړه کې نښـتي دي، په یوه تیلیفوني اړیکه کې وایی: «پرون شـپه طالبانو په زور زموږ ځایي ډاکټران د ځانه سره یووړل او نن یی مړي په روغتون کی د ناټو د هوایي ځواکونو برید څخه وروسته پیدا شول.»

ډاکټر امین او ظاهر پاکنهاد په دې پيبنه کې د وژل شوو ډاکټرانو د جملې څخه دوه تنه دي.

هغــه همدارنګــه زیاتــوی چې د هغه ګاونــډی د س. ا. په نــوم چې د یوه خصوصي بانک کارکونکی ؤ، تیره شــپه د طالبانو په وســیله په کشولو کشولو له کوره یووړل شو. هغه د ځان د ژغورنی لپاره چیغې وهلی او تر اوسه یې د راتلونکې نه کوم خبر نشته.

د کندز د یوه روغتون (ف) نومی نرســه چې ددی ولایت یوې ولسوالی ته یی تیبنــته کړی، وایې «څو تنه همکاران می د نوکریوالۍ په شــپه د طالبانو په وسیله د جنسی تیری نه وروسته ووژل شــول. هیڅ داســی کور نشته چې یو دوه ټپیان او وژل شوي پکی شتون ونلري.»




هغه قابله چې د طالبانو پوسیله د تیري نه وروسته ووژل شوه

د ف. م. په نــوم زده‌کونکی چې همدا اوس د خپلی کورنۍ ســره د کندز په ښــار کــې دی، وایی «ډوډی په ډیری ســختی ســره په ښــار کې موندل کیږی او د یوی ډوډی بیــه ۶۰ افغانیو ته رســیدلی ده. په ښــار کــې د دوا او درملو څخــه کوم خبر نشــته، هغــه کورونه چــې خاونــدان یی تښــتیدلي دي، د طالبانو او غلو پوســیله لوټیري.

په همدی حال کې راپور ورکول کیږي چې جنایــت او لوټونه پــه دی ولایت کې قومــی رنګ او بوی اخیســتی دی او د غچ اخیســتنی حس لــوړ دی. طالبانو د اربکــی قومندانانو او دولتی کارکونکــو کورونه لوټ کړی او مال یی غنیمت ګڼی، اربکیانو په پښتون میشتو سیمو بلوا وروړی، د عامو وګړو مال او شته یی وړی دی، په دی انډوخر کې، اصلی قربانیان عادی خلک د هر ملیت دی چــې ددی ځناورو او کوخه‌ډبو باندونو په ویجاړۍ کې په ســتونزه ســره نفس کاږي.

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵



# سیمون سگوین، از رزم‌آوران قهرمان فرانسه

تصویر بالا، از مشهورترین صحنه‌های مقاومت پارتیزان های فرانسوی علیه فاشیزم هیتلری در جریان جنگ دوم جهانیست که در ۱۹ اگست ۱۹۴۴ در پاریس عکاسی شده است. درین صحنه، سیمون سگوین (Simone Segouin) دختر ۱۸ ساله را می‌بینیم که در صفوف مبارزان برای آزادسازی پاریس می‌جنگد.

سیمون سگوین که در کشتن نیروهای آلمانی، اسیر ساختن ۲۵ تن از آنان و نهایتا آزادی پاریس نقش مهمی داشت، منحیث یکی از چهره‌های برجسته جنبش مقاومت آن کشور شهرت یافت و به نماد شرکت زنان در جنگ ضد فاشیزم در فرانسه بدل گشت.

نشریه Independent Eure-et-Loir در شماره ۲۶ اگست ۱۹۹۴ خود این دختر مبارز را اینچنین به معرفی گرفت: «یکی از پرخلوص‌ترین جنگجویان مقاومت قهرمانانه فرانسه که راهی به سوی رهایی گشود.»

با آزادی پاریس، او به درجه جگرن ارتقا یافت و به تاریخ ۲۳ اگست ۱۹۴۴ مدال نظامی «صلیب جنگ» به او اعطا گردید.

نقش برجسته زنان در مقاومت ضدهیتلری باعث شد که بعد از جنگ دوم جهانی، برای نخستین بار در ۲۹ اپریل ۱۹۴۵ به آنان در انتخابات محلی حق رای دهی داده شود و در ۲۱ اکتوبر همین سال در انتخابات ملی نیز حقوق مساوی با مردان را حاصل کردند.

در اگست ۲۰۱۵، هفتادمین سالگرد آزادی فرانسه از چنگ نازیزم، یکی از شهرهای فرانسه جاده‌ای را به نام سیمون نامگذاری کرده از او، که فعلا حدود نود سال عمر دارد، تجلیل به عمل آورد.

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

نویسنده: هیله نوری

# امرالله صالح به دختران قهرمان کوبانی توهین روا می‌دارد



با سقوط برنامه‌شده قندز و خیانت مقامات در سپردن آن به طالبان وحشی، میدان آنچنان شغالی است که بازار خودنمایی‌های تعدادی از جنایتکاران تنظیمی و حامیان شان بار دگر گرم شده هر یک می‌کوشد خود را قهرمان میدان وانمود سازد. اینان از حادثه دردناک قندز برای «ملی»نمایی و تبلیغات جهت زدودن خون از سر و روی خود سود می‌برند. بناءً هشیاری لازم است که فریب این نمایشات محیلانه را نخوریم.

در این میان امرالله صالح وابسته به «شورای نظار» در صفحه فیس‌بوکش وقیحانه از «بچه‌های افغانستان و کابل» خواست که «دختران کوبانی را الگو و سرمشق» قرار دهند. او در ادامه از دولت تقاضای «حمایت سیاسی و قسما لوژستیکی» می‌نماید تا برای شکست طالبان در قندز و تخار «بسیج مردمی» بسازد اما مدعی است که «به دولت پیام داده‌ام اما جوابی دریافت نکرده‌ایم»!

آقای صالح، اول دهانت را با هفت جوی گلاب بشوی و بعد نام دختران پرافتخار کوبانی را بر زبان ران. زنان و مردان نجیب کوبانی بخاطر مبارزه با داعش منتظر هیچ دولت و کشور ننشستند، محرک اصلی آنان برای بسیج و مبارزه وجدان بلند و افکار انسانی و مترقی شان بود.

**دختر کوبانی شدن قبل از اینکه نیاز به تسلیح دست‌ها داشته باشد، ضرورت به مسلح شدن مغزها با افکار مترقی و پیشرو و انسانی دارد.**

**پیروان جوان امرالله صالح که این روزها با تقلید بوزینه‌وار از جناحی در رژیم ددمنش ایران «سبز»نمایی می کنند، کی‌ها اند و آیا انتظار دختر کوبانی شدن از اینان ابلهانه نیست؟ او خود به تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۱۵ با دیدن کارنامه لمپنانه جوانانش در شهر کابل احساس شرم نموده در فیسبوکش نوشت:**



وحشت و لمپنیزم افراد متعلق به شورای نظار در سالروز مرگ مسعود در کابل که باعث قتل و زخمی‌شدن تعدادی از هموطنان ما شدند.

«بیشترین جوانانی که امروز به بهانه روز شهید و با استفاده از عکس‌های قهرمان ملی دست به نمایش مضحک خیابانی میزنند... رفتار ناپسند این جمع از جوانان نشانگر شکست و ناکامی همه ما در فرهنگ‌سازی است. اجازه دادن به این نوع رفتار نشاندهنده سقوط نظم، صلابت قانون، هیبت دولتی و بی‌نفوذی قشر سیاسی است که خود را وارث راه شهید احمد شاه مسعود میداند.»

**حال سوال اینجاست که به کمک این لشکر «بی‌فرهنگ» و لومپن که از درنده‌خویی شان در روز مرگ مسعود شهر کابل غرق وحشت شد، چگونه می‌توانی مردم قندز را از شر جنایت‌پیشگان طالب نجات دهی؟ اینان که در روز روشن در پایتخت مردم بی گناه را می‌درند، اگر به تفنگ دست یافته وارد**

قندزی شـوند که میدان برای شان خالیست، بدون شک که خاطرات وحشتبار جنگ‌های تنظیمی کابل را زنده خواهند ساخت.

دختر کوبانی شدن قبل از اینکه نیاز به تسلیح دست‌ها داشته باشد، ضرورت به مسـلح شـدن مغزها با افکار مترقی و پیشرو و انسـانی دارد. انتظار این کار از شـماهایی که مالامال از افکار اخوانی و ارتجاعی هسـتید عبث است. او به جوانانی وعـظ «کوبانی» می‌دهد که از تربیت ابتدایی انسـانی بی‌بهره اند و اعتراف می کند که در رهبری شـان ناکام اسـت. صالح به درستی واقف است که اکثریت مطلق جمعیتی‌ها و شورای‌نظاری‌هایش اندک‌ترین نقطه مشترک با مبارزان کوبانی ندارنـد و برعکس الگوی آنان جانیانی اند که همجنس داعش و طالب بوده طی سـال‌های دهه نود میلادی در کابل کارنامه ننگین شانرا ثبت تاریخ کردند.

می‌پرسـی «آیا به اندازه دختران کوبانی همت نداریم؟» من پاسخ می‌دهم کـه به اندازه یک هزارم دختران کوبانی همـت و وجدان ندارید و این را در تاریخچه سراسر مکدرتان به اثبات رسانیده‌اید. اگر سنگ‌اندازی‌ها و خیانت‌ها و فساد و چپاول شما نمی‌بود، یک مشت مزدور آی.اس.آی به این آسانی موفق نمی‌شـدند قدرت گرفته قریه‌ها و حتی شـهر قندز را به اشغال خود درآورند. این «آدم‌نماهای وحشـی» از بربریت و ستم شما جنگسالاران قدرت گرفته‌اند و از ستم و استبداد شماست که طالب زاده می‌شود.

اگر تو به اندازه هزارام دختران شـریف کوبانی همت می‌داشتی، در شش سال حساس که در راس امنیت ملی امکانات سرشار در اختیار داشتی، جلو رشد طالب را می گرفتی و نمی گذاشـتی که این جنبش پوسـیده پس سر بلند کند. ولی همه می‌دانیم که طالب زمانی قدرتمندتر شد که صالح در راس امنیت ملی لمیده بود و هم‌حزبی و هم‌فکر دیگرش بسـم‌الله خان در کرسـی وزارت دفاع جا خوش کرده بود بگذریم از اینکه تمامی سـران تنظیمی گردانندگان اصلی دسـتگاه مافیایی حاکم بودند که خیانت و پلیدی‌های شـان زمینه‌ساز طالب و دست‌اندازی‌های شیطانی ایران و پاکستان و دهها کشور دیگر گردید.

در مکتب ایدئولوژیک شـما بزرگترین نمایش «همت» آنست که اگر زن افغان مثل دختر سلحشور کوبانی سرلچ دیده شد، همانند فرخنده شهید زجرکش شود، مورد توهین و تحقیر قرار گیرد و بر او تجاوز صورت گیرد. شما همت تانرا در سـتم بر زن به نمایش گذاشـته‌اید و بس. شما «همت»تان را بخصوص

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

با اعمـال بدترین نوع ستمگری و بی‌ناموسی بـر زنـان بار بـار به اثبـات رسـانیده‌اید. آقـای صالح حـال با مـرور کارنامه باند و همفکرانـت در برابر زن، کمی شرم و حیا کن که با عوامفریبی و خودنمایی عکس سرلچ دختران تفنگ‌بدست کوبانی را در صفحه‌ات گذاشته به ظاهـر «الگو» قرار می‌دهی امـا رهروانت چون شـرف بغلانی‌ها و حبیب ده‌افغانان‌هـا و دیگران در روز روشـن زن حجاب‌دار را داعشـی‌وار دریده به آتش می‌کشند.



جنایات شورای نظار در جریان سگ‌جنگی های کابل

دیگـر ملت ما به خوبی درک کرده‌اند که طالبان و جنگسـالاران دو روی یک سـکه اند. اینها در جنایت، کشـتار، جهالت، وطنفروشـی و چپاول ریشه مشـترک دارند. اینان به ظاهر مخالف یکدیگر ولی منشـا و فکر یکسان دارند که بنیادگرایی و جهالت اسـت. فقط تفاوت اینسـت که امریکا و غرب بنابر اقتضای زمان به شما یاد داد که چطور چهره واقعی تانرا در ورای کلمات زیبای «دموکراسی» و «حقوق بشر» و پنجال‌های خونین تانرا پشت نکتایی و دریشی پاریسـی پنهان کنید. اما دیگر مردم ما از آن تجربه و آگاهی برخوردارند که دشمنان را از «طرز خرام» شان می‌شناسند.

تـو آقای صالح مطمئنا از زنان و مردان کوبانی شـناخت کافی نداری ورنه عرق شرم بر پیشانی‌ات جاری می‌شد که نام این فرشته‌های نجابت و وطندوستی را بر زبان بیاوری. شـیرزنان کوبانی از آن آگاهی و شـرافت برخوردارند که بخاطر کشـور و مردم شان به مقام و دالر و زندگی شخصی پشت‌پا زنند. بیشتر مبارزانی که در صفوف مقدم رزمندگان کوبانی می‌جنگند جوانان پرشـور و عاشق مردم و خاک شان اند که زندگی آسوده در خارج را رها کرده تفنگ به دسـت گرفته سینه سپر می‌کنند. ولی شما که از دولت خواستار کمک هستید به این دلیل است که بین مردم جای پا نداشته و همیشه اتکای‌تان بر زور و دالر و خارجی‌ها بوده است. ازینرو در پست دیگر فیسبوکی به زبان انگلیسی، صالح

از نیروهای امریکایی تشکر می کند که در جنگ قندز سهم گرفتند و متذکر می‌شود که بدون حمایت آنان پیروزی ناممکن بود.

زنـان و مردان آگاه و باوجدان کوبانی از درد و رنج مردم و ویرانی جامعه خود نیرو گرفته مصممانه پوزه جنایت‌پیشگان داعشی را به خاک مالیدند. این شیردختران با اندک‌ترین امکانات درسی به داعش دادند که اکنون تفنگداران این گروه قرون‌وسطایی از نام ریحانه و لیلا یلدیژان و... برخود می‌لرزند. ولی شـما با افکار متحجر و اخوانی‌تان جز درد و رنج و مصیبت و تباهی چه چیزی به ملت داده‌اید؟

دیگـر همگان می‌دانند که طالبان نیروی ذخیره امریکاسـت که قیضه آنها را به دسـت آی.اس.آی سـپرده اسـت. حال تو امرالله صالح که نزد سی.آی. ای تربیت یافتی، می‌توانی علیـه منافع بادارت برخیزی؟ آیا قادری یک مثال بیاوری که تعلیم‌یافتگان امریکا علیه سیاسـت‌های آن کشـور برخاسته و یا در برابر عمال آن دسـت به مبارزه و قیام زده باشـند؟ آیا می‌توانی مثالی بیاوری که دسـت‌پرورده امریکا فرد ملی و دموکـرات از آب درآمده به منافع ملی مملکتش اندیشده باشد؟

نیمی از رزمندگان کوبانی را زنان تشکیل می‌دهند که در قاموس شما نامش ممنوع است. زنان کوبانی قومندان‌های جنگ اند، علیه داعش مردم را رهبری می کننـد و با مقاومت قهرمانانه صفحات درخشـان تاریخ را رقم می‌زنند. ولی شـما در برخورد به زن آنچنان کارنامه خونبار و ننگین دارید که قلم از شـرح آن خجالت می کشـد. مکتب شـما به زنان جز کنیزک‌های خانه‌نشین و ماشین چوچه‌کشـی چه ارزشی قایل است؟ شـما طی سال‌های گذشته فقط همین قدر یـاد گرفتید که از حضور زن منحیـث زینت‌المجلس برای فریب افکار عامه و جهانیان سوءاستفاده کنید.

او و همفکرانش که احمدشاه مسـعود را پیغمبرگونه می‌پرستند، ببینیم که نگاه مرشد شان به زن تا چه حد طالبی بود:

در کتاب «احمد شاه مسعود: روایت صدیقه مسعود»، از زبان همسر مسعود نقل می‌شود که او آنچنان در چهاردیواری محصور گشته بود که نزدیک‌ترین مردان خانواده (از جمله برادران و خواهرزاده‌های شوهرش) حق دیدن رویش را نداشـتند. مسعود می گفت که «می‌خواهم همسرم را هیچ مرد بیگانه نبیند و تنها کسی باشم که او را نظاره می کنم». از زبان صدیقه نقل می‌شود: «حقیقت

**دارد که مـــن هرگز مردانی را که در خارج از خانــواده خودم بودند ندیدم- حتی برادران شوهرم را.»**

**بــه علت همیــن نگاه عصر حجری اســت کــه حتی یــک زن در صفوف «جمعیت» و «شــورای نظار» شــما ســر بلند نکرد و عملا نیم نفوس جامعه را به حاشــیه راندید. با توجه به ایــن نکته می‌توان با قاطعیــت حکم صادر کرد که انتشــار عکس دختران کوبانی توسط مریدان مسعود جز خودنمایی عق‌آور مفهومی ندارد.**

**کوبانی را جهانیان لقب «استالینگراد قرن ۲۱» داده‌اند و دختران با شهامتش به ســمبول انسانیت بیدار بدل گشته‌اند. پس تو که الگوی واقعی برخوردت به زن منطقا باید چیزی باشــد که از مســعود بــه ارث برده‌ای لازم اســت کمی خجالت کشــیده دیگر هرگز با گرفتن نام دختران کوبانــی بــه رزم دلاورانه و حماســی این انســان‌های نجیب و سرافراز توهین روا نداری. بین تو و همکفرانت و رزمندگان کوبانی دره‌ای از خون موجود است. آنها رخ درخشــان و زیبای انســانیت را نمایندگی می‌کنند و تو و نظایرت رخ پرتعفن و نفرین‌شده آنرا.**



زنان قهرمان کوبانی

**مــا از زنان و مردان قهرمان کوبانی عذر می‌خواهیم که یک دلقک امریکا و کســی که حامی افکار متحجر و جنایتکارانه در افغانســتان است، با اینگونه اظهاراتش به رزم بزرگ و شرافت بلند شان توهین روا داشته است.**

نویسنده: واحد منصوری

# جنایت جنگی امریکا در کندز علیه غیرنظامیان



ساعت ۲:۰۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۱ میزان ۱۳۹۴، طیاره‌های بم‌افکن امریکا یک شفاخانه سازمان «داکتران بدون مرز» در شهر کندز را هدف قرار دادند. هنگام این حمله هوایی، ۱۰۵ مریض و پایواز در شفاخانه موجود بودند و ۸۰ کارمندان صحی داخلی و خارجی این شفاخانه نیز سرگرم رسیدگی به زخمی‌های جنگ کندز بودند.

سازمان «داکتران بدون مرز» در یک اعلامیه تایید کرده که در این حمله ۱۹ تن به‌شمول ۳ کودک جان باخته و ده‌ها تن دیگر هم زخمی شده اند. اعلامیه مذکور می‌افزاید که باوجود این که موقعیت دقیق شفاخانه به وسیله جی‌پی‌اس مشخص و در گذشته برای چندین بار به نیروهای نظامی امریکایی و افغان در کابل و واشنگتن اطلاع داده شده بود که آخرین بار آن در پنجشنبه گذشته (۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵ - ۹ میزان ۱۳۹۴) می‌باشد، این بمباران حدودا

**برای یک ساعت و چند دقیقه ادامه یافت.**



DrEhsan Osmani
October 2 at 6:23pm · Edited ·

هزاران نفرین و لعنت خدا به تو اشرف غنی و استانکزی که با بم های کور تان ملت کندز را به خاک و خون یکسان کردید.
تف تف تف تف به روی شما بی ایمان ها و بی وجدان ها
از خدا بترسید ، از روز اخرت و از محکمه الله بترسید
روی همه شما کثافت ها و نجاست ها سیاه و مردار باد.
به لحاظ خدا و به خاطر بشر دوستی تان او مردم این پیام را با همه شریک سازید که بم افگن های دولت نجس و چتل از عصر امروز به این طرف خاک شهر کندز را تا خدا رساندند و نتیجه ان کشته ،معیوب و زخمی شدن ده ها انسان بیگناه کندز گردید و هنوز این جنایت بزرگ و بی مانند یک دولت بالای ملتش ، ادامه دارد .
این در حالیست که ده ها کشته و زخمی مردم در محل جنگ باقیست و از شدت جنگ به شفاخانه امده نمیتوانند .
جنگ چنان شدت دارد که گویا آمریکا بالای ویتنام حمله دارند و یا گونه معلوم میشود که آمریکایی ها بالای هیروشیما و ناگاساکی جاپان بم اتم انداختند.
بیایید همه ما باهم برای مردم کندز اشک بریزیم تا این اشکها سیل گردد و ارگ را به کدام گودال ببرد.
دوستان!
شما را به خدا سوگند که این پیام را همگانی کنید که همه ببینندو انزجار خویش را علیه سردم داران خاین اعلام کنند.

پیام فیسبوکی داکتر احسان عثمانی قبل از شهادتش

**در این اعلامیه چنین نوشته شده است:**

«از ساعت ۲:۰۸ تا ۳:۱۵ صبح به وقت محلی، شفاخانه مجروحان "داکتران بدون مرز" مورد حملات هوایی مسلسل در وقفه‌های پانزده دقیقه‌ای قرار گرفت. تعمیر مرکزی شفاخانه که بخش‌های آی‌سی‌یو، اتاق‌های عاجل و فزیوتراپی را در خود جا داده است، به‌طور مکرر و دقیق مورد حمله هوایی قرار گرفت. درحالی‌که تعمیرهای همجوار تقریبا هیچ صدمه‌ای ندیده اند.»

**اعلامیه مذکور به نقل از هیمان ناگاراتنام، رییس برنامه‌های «داکتران بدون مرز» در شمال کشور، می‌نویسد:**

«بم‌ها اصابت کردند و سپس صدای دوره طیاره‌ها را شنیدیم. وقفه، و بم‌های بیشتر اصابت کردند. این حادثه دوباره و دوباره به وقوع پیوست. وقتی موفق به فرار از داخل دفتر شدم، تعمیر اصلی شفاخانه در شعله‌های آتش می‌سوخت. آنانی که توانسته بودند

زودتر از عمارت بیرون شـوند، به دو زیرزمینی پناه برده بودند. اما مریضانی که قادر به فرار نبودند، در بسترهای شان سوخته و جان باختند.»

**در بخـش دیگـری، این نهاد خیریــه از زبان یکی از نرس‌هــای حاضر در شفاخانه نقل می‌کند:**

«تــلاش کردیم که داخل یکی از تعمیرهای شـعله‌ور شـویم. وضعیـت داخــل را شــرح داده نمی‌توانم. هیچ حرفــی برای بیان وضعیت اسـفبار آن ندارم. در آی‌سی‌یو، شش مریض در بسترهای شان می‌سوختند.»

**این ســازمان می‌گوید که تا دو روز پیش ۳۹۶ زخمی از جمله ۶۴ کودک در این شــفاخانه تحت تداوی قرار گرفتند و وضعیت صحی ۷۴ تن آنان وخیم بود.**



داکتران جان‌باخته در اثر بمباردمان نیروهای امریکایی

**جاسـن کوون، رییس اجراییه بخش امریکای «داکتران بدون مرز» در مصاحبه‌ای بـا تلویزیون پی‌بـی‌اس (۳ اکتوبـر ۲۰۱۵) حادثــه کندز را «مکدرتریـن روز در تاریـخ سـازمان داکتران بدون مرز» نامید.**

**شـاهدان عینـی در شـهر کندز می‌گویند که تلفات ایـن حمله چندین برابـر آماری اسـت که از سـوی رسـانه‌های غربی و سرکاری در افغانسـتان ارایه شده است. همچنان تصاویر نشرشــده در شبکه‌های اجتماعی نشــان می‌دهد که بخش‌های زیاد این شفاخانه به ویرانه تبدیل شده است.**

**در قــدم نخســت، ناتو و امریکا بــرای سرپوش‌گذاشــتن روی این جنایت دست‌داشــتن شــان در این حمله را رد کردند، اما بعدا اعلام کردند که هدف**

**بمباردمـــان آنـــان یک مرکز طالبان در نزدیکی این شـــفاخانه بـــود. زمانی که خبر جنایت مذکور در سراســـر جهان پخش شد و حقایق برملا گردید، با نشر اعلامیـــه‌ای عذرخواهی کردند و آن را ناشـــی از اطلاعات نادرســـتی خواندند که از ســـوی حکومت افغانســـتان در اختیار نظامیان امریکایی قرار گرفته بود. دروغی که در اعلامیه‌ی ســـازمان «داکتران بدون مرز» رد می‌گردد چون این نهـــاد خیریه به صراحت نوشـــته که موقعیت دقیق بـــرای چندین بار به کابل و واشـــنگتن فرستاده شده بود. بوی این جنایت و انسان‌کشی تا حدی بالا گرفت که حتا رییس «بخش حقوق بشـــر ســـازمان ملل متحد» اظهار داشـــت که اگر روشـــن شـــود که این بمباران عمدی بوده و غیرنظامیان قربانی اصلی آن بوده اند، این یک جنایت بشری قلمداد خواهد شد.**

---



# «شیر میوند»، سمبول شهامت پدران ما

شکســـت انگلیسها توســـط نیاکان ما در جنگ دوم افغان-انگلیس که مشهور به «جنگ میوند» اســـت از صفحات درخشـــان تاریخ ماســـت. در ۲۷ جولای ۱۸۸۰، نیروهای انگلیسی درین نبرد آنچنان شکســـت خورده کشته دادند که دولت شاهی بریتانیا به یاد کشته شدگان بنای یادبودی در یکی از شهر های آن کشور اعمار نمود.

در دسامبر ۱۸۸۶، انگلیس‌ها مجسمه یک شیر را در پارکی به نام «فوربری گاردن» در شهر ریدنگ انگلســـتان برافراشـــتند که در زیر آن نام ۳۲۹ تن ســـرباز و افسر انگلیسی درج است که بین ســـالهای ۱۸۷۸ و ۱۸۸۰ در افغانستان کشته شدند. این بنای یادبود که به نام «شیر میوند» مشـــهور است، به مثابه ســـمبول شکســـت انگلیس و پیروزی پدران ما در برابر استعمار و تجاوز بیگانگان تا کنون پابرجاست.

دیدگاه حزب

# خون نجیب «شاهرخ زمانی» بر پرچم مبارزه علیه رژیم منفور ایران نقش بست



اینبار شاهرخ زمانی، زندانی سیاسی و از فعالان سرفراز جنبش کارگری ایران طعمه «اعدام خاموش» ماشین وحشت و کشتار رژیم آخندی ایران گردیده قلب ما را پردرد ساخت. به تاریخ ۲۲ سنبله ۱۳۹۴ هم‌بندانش در حالی با جسد بی‌جان او در زندان رجایی‌شهر مواجه شدند که اثراتی از کبودی و لختگی خون بر روی بدن او نمایان بود. اما دولت با کمال وقاحت علت را سکته مغزی اعلان کرد باآنکه قبلا هیچگونه مشکل صحی نداشت.

حاکمیت ددمنش «ولایت فقیه» که انسان‌های مبارز و پیشگام را دشمن درجه یک پنداشته به بند و زندان می کشد، به شیوه های مختلف تلاش برای حذف فزیکی عناصر آگاه و معترض دارد. شاهرخ فقط به جرم دفاع پیگیر از حقوق کارگران ستمکش کشورش به قتل رسید. او نخستین قربانی نیست و تا وقتی دستگاه فاشیستی پابرجاست، بهترین فرزندان خلق ایران قربانی بربریت آن خواهند شد. شاهرخ به کاروان انسان های آزاده و انقلابی چون

افشین اسانلو، دگمچی، کرمی خیرآبادی، ستار بهشتی و غیره پیوست که به خاطر تسلیم‌ناپذیری و دفاع پایدار از آرمان‌های انسانی شان به همین صورت در دخمه گاه‌های مخوف رژیم سفاک ایران سربه‌نیست شدند.




خون شریف شاهرخ‌ها لکه ننگی بر جبین روشنفکران خودفروخته افغان چون کاظم کاظمی، صادق عصیان، ابوطالب مظفری، فضل‌الله قدسی، رفیع جنید، ابراهیم امینی و غیره نیز می‌باشد که با بیشرمی تمام در رکاب خامنه‌ای آدمخوار و دیگر قاتلان فرزندان اصیل مردم ایران زانو زده شعرسرایی می کنند. اینان اگر اندک وجدان و حس انسانی می‌داشتند، از خونی که بر چنگال‌های رهبران پلید جمهوری اسلامی جاریست شرم کرده مدیحه‌سرایی و صله گرفتن از این دژخیمان انسانیت را عار و ننگ می‌پنداشتند.

شاهرخ یک کارگر آگاه و معترض بود که با جانفشانی و شهامت از حقوق زحمتکشان دفاع می‌نمود. جلادان «ولایت فقیه» هرچه شنیع تر او را شکنجه کردند، او رساتر فریاد برآورده قصابان حاکم را وامانده و ذلیل ساخت. به همین دلیل چهار سال تمام مورد وحشیانه‌ترین شکنجه و بدرفتاری رژیم مستبد و ضدکارگری قرار گرفت و بارها از یک زندان به زندان دیگر و در کوته‌قلفی او را به بند کشیدند. اما او خاری در چشم ستمگران بود که با هیچ وحشتی نتوانستند او را به زانو درآورند. شاهرخ چند بار دست به اعتصاب غذا زد و ندای عدالت‌خواهی‌اش جهانی شد. رژیم که در برابر پیکارگری از تبار کموناردها مواجه بود، چاره را در «اعدام خاموش» او دید. او که باربار تهدید به مرگ شده بود، در نامه سرگشاده‌ای خطاب به احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل نوشت: «مرگ من به هر دلیلی در زندان، متوجه مسئولین نظام است.»

شاهرخ، نامه‌ها و پیام‌های زیادی از زندان به بیرون فرستاد که در تمامی آن‌ها



**روح بزرگ آزادیخواهی و جسارت این کارگر قهرمان را می‌توان با تمام وجود درک کرد. او در نامه‌ای عنوانی دخترش نوشت:**

«دخترم مبارزه تاوانی دارد که خود انسان و اطرافیانش باید بپردازند و از این بابت من برای تو و اطرافیان متاسفم و برای خود خرسندم که راه انسانی زیستن و انسانی فکر کردن و به فکر هم‌نوعانم بودن و اینکه تنها راه نجات مبارزه طبقاتی و سرنگونی سرمایه‌داری است را پیدا کردم.»

**دولت پوسیده و لرزان ایران حتی از جسد انقلابیون جانباخته هراس داشته به هر حربه‌ای چنگ می‌اندازد تا جلو «سیاسی شدن» مراسم تدفین را بگیرند. «کمیته دفاع از شاهرخ زمانی» در گزارشی از مراسم تدفین وی نوشت:**

«حتی در مراسم وداع با شاهرخ قبل از حضور یافتن وداع‌کنندگان دهها مامور لباس شخصی در محل حاضر شدند و برنامه های از پیش تعیین شده خود را به خانواده شاهرخ تحمیل کردند... ماموران قبل از مراسم به در خانه تعداد بسیاری از افراد فعال‌شناخته شده رفته و آنها را تهدید کرده اند که اگر در مراسم حضور داشته باشید دستگیر خواهید شد.»

**اما مردم و نیروهای انقلابی ایران انتقام خون جوشان شاهرخ‌ها را گرفتنی اند. حتی تعدادی از مادران داغدار ایران درد از دست دادن جگرگوشه‌های شان را با چنان استقامت نمونه بیان کرده اند که لرزه بر اندام قاتلان انداخته است. بطور نمونه عکس‌العمل دایه سلطنه، مادر قهرمان فرزاد کمانگر (معلم مبارز و آگاه که به تاریخ ۱۹ ثور ۱۳۸۹ با چهار هم‌زنجیرش اعدام شد) در سوگ جاویدان شدن فرزند برومندش اینچنین حماسی بود: «من خیالم از این راحته که یک گل شقایق دیگه به این سرزمین هدیه شد، که این گل از خونه**

من رفته این بار.»



مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی در گورستان وادی رحمت تبریز

**تعدادی از تشکل‌های کارگری ایران در اطلاعیه مشترکی وعده سپردند:**

«از دســت دادن شــاهرخ عزیز درد جانکاهی اســت اما ما در ســوز و گداز این درد جانــکاه، زانوی غم در بغل نخواهیم گرفت و مرگ شاهرخ را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیشتازش بود تبدیل خواهیم کرد.»

**ما مطمئنیم که کارگران آگاه و انقلابی ایران قتل این حامی و رهبر پیشرو شانرا با تشدید مبارزه علیه جمهوری فاشیستی آخندی پاسخ خواهند داد تا این دستگاه وحشت و ستمگری را با اتحاد و پیکار شان به زباله‌دان تاریخ بسپارند.**

**درحالیکــه حاکمیت جمهوری اســلامی را از دشــمنان محیــل و هار مردم افغانســتان می‌شمریم، خود را در سوگ دردناک پرپرشدن عظیم‌ترین مبارزان ایران شــریک می‌دانیم. ما به هم‌نبردان ایرانی خود وعده می‌سپاریم با آنکه در افغانســتان اشغال‌شده و مافیایی خود با مشکلات و سختی‌های فراوان مواجهیم، دست تمامی انسان‌های آزاده و ستم‌ستیز را فشرده همگام با آنان پرچم گلگون عدالت‌خواهی شاهرخ‌ها را تا محو بی‌عدالتی و استبداد بلند نگه خواهیم داشت.**

**اتحاد و همبستگی رنجبران ایران و افغانستان که هر دو درد و سرنوشت مشترک دارند ناقوس مرگ رژیم های طالبانی هردو کشور را به صدا درخواهد آورد.**

**ما از روحیه رزم‌جویانه و جان‌نثاری شاهرخ درس‌ها آموخته، معیار انقلابی بودن هر فرد و جمع مدعی مبارزه را درین می‌دانیم که همانند وی آموخته‌های مبارزاتی شان را در عمل پیاده نموده با قبول هر سختی و حتی مرگ به آرمان ستمکشان وفادار باشند.**

نویسنده: پویا

# عیاشی شیوخ عربستان با پول حجاج



سالانه میلیون‌ها زائر با مصرف حدود ۶ تا ۸ هزار دالر به هدف ادای فریضه حج وارد عربستان شده میلیاردها دالر به اقتصاد این کشور می‌ریزند. در سال ۲۰۱۴ درآمد عربستان از حج عمره و تمتع حدود ۱۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون اعلام شد. موج عظیم زائران، صنعت توریزم عربستان سعودی را به دومین صنعت بزرگ این کشور مبدل نموده و هشت درصد مشاغل این کشور را مختص به این بخش ساخته است. اما سودی که از حج و بخصوص نفت به دست می‌آید توسط خاندان عیاش پادشاهی عربستان چپاول شده صرف عیاشی آنان می‌شود.

سلمان بن عبدالعزیز پس از مرگ برادر فاسدش عبدالله، هفتمین پادشاه عربستان سعودی است. از آنجا که دولت عربستان در قبضه خاندان آل سعود بوده و مسئولیت ادارات دولتی در دست ۷۰۰ شهزاده و ۷۰۰۰ ملا و مفتی می‌باشد، منابع عایداتی عربستان نیز در تصرف خاندان پادشاهی و درباریانش

قرار دارد و برای خوشگذرانی آنان حیف و میل می‌شود.



هوتلی که در ساحل «ریویرا»
برای عیاشی سلمان بن عبدالعزیز اختصاص داده شده بود.

در ماه اگست ۲۰۱۵ شاه عربستان با بیش از ۴۰۰ تن از درباریان و خاندان پادشاهی به مناطق ساحلی «ریویرا» در فرانسه جهت عیاشی رفت و دولت فرانسه نیز بخشی از این سواحل را به شاه عربستان اختصاص داده و آن را برای عموم ممنوع اعلام نمود. بستن ساحل به روی عموم مورد اعتراض شدید مردم قرار گرفت و موجب شد تا شاه عربستان آنجا را ترک کند و راهی مراکش شود. این اولین باری نیست که شاه عربستان چنین مصارف هنگفتی را صرف خوشگذرانی می‌کند، او به تاریخ ۱۹ فبروری ۲۰۱۴ نیز جزایر مالدیو را با پرداخت ۳۰ میلیون دالر به مدت هفت روز به اجاره گرفت و با کشتی مجلل و ۱۰۰ محافظ عازم این کشور شد.



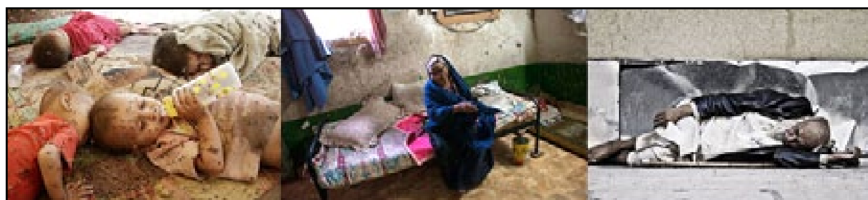


طیاره شخصی شهزاده الولید که قسمت های
داخلی آن از تلا ساخته شده.

میدان عیاشی تنها برای شاه خالی نمی‌ماند، شاهزاده ها و شیوخ خاندان آل‌سعود با چپاول پول نفت و حج در لیست ثروتمندترین‌های عربستان و جهان قرار گرفته طیاره‌های شخصی و تلاکاری شده دارند و در زیباترین جزایر جهان جهت

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

عیاشی می‌روند و پول باد کردن شان در حدیست که تصاویر کمودهای تلایی شان مدتی قبل در شبکه‌های اجتماعی پخش شد. این درحالیست که ۴۰ درصد مردم عربستان در فقر مطلق زندگی می کنند، ۶۰ درصد آنان بی‌خانه اند، ۴۰ درصد جوانان شغل ندارند و ۸۵ درصد از کارگران به دلیل مزد کم از خارج کشور استخدام می‌شوند. در کنار این، خشونت علیه زنان، ارقام بالای تجاور، تمویل تروریزم و احزاب بنیادگرای سنی که موجب قتل هزاران بی گناه شده و می‌شود، روی این خاندان عیاش را سیاه‌تر می‌سازد.



فقر در پولدارترین کشور جهان بی‌داد می‌کند.
لینزی ادریو، خبرنگار زن امریکایی، در سفر به عربستان سعودی پس از دیدن فقر گسترده در این کشور، با تعجب گفت: «آیا من در سرزمین نفت هستم؟»

شاهزادگان آل‌سعود نیز اکثرا در امریکا و دیگر کشورهای غربی غرق هرزه‌گی و عیاشی اند. خبرگزاری «رویترز» به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ گزارش داد که شاهزاده ماجد عبدالعزیز آل سعود ۲۸ ساله به اتهام تلاش برای تجاوز به یک زن امریکایی توسط پولیس شهر لاس‌انجلس دستگیر شد.




شهزاده عربستان به نام ادیل-ال‌اوطیب بخاطر سپری نمودن یک شب در کنار ستاره تلویزیون امریکا به نام کیم کارداشیان یک میلیون دالر پیشنهاد نمود.

اکثریت زائرانی که راهی حج می‌شوند از کشورهای اسلامی‌ای اند که شاهد کودکان بینوا و فقرزده، مادران گرسنه، مردمی جنگ‌زده و نادار، حکام مستبد و ده‌ها نوع بربریت و بی‌عدالتی اند. به گفته مولانا جلال‌الدین «ای قوم به حج رفته کجایید کجایید / معشوق همینجاست بیایید بیایید»، صرف این همه پول برای گرسنگان و آبادی کشور فرورفته در بربادی و فقر و تباهی انسانی‌تر و خواستنی‌تر است.

**قتل عام اخیر طی دو حادثه در جریان مراسم حج و کشته شدن حدود هشتصد تن و برخورد مستبدانه حاکمان آنجا در برابر آن میزان وقاحت و جهالت‌پیشه بودن شیوخ عرب را بار دیگر در برابر دید جهانیان برملا نمود. بخصوص حرف‌های احمقانه و ضدانسانی آنان در توجیه این کشتار جهان اسلام را تکان داد.**

**گذشته از اینها، دولت عربستان در تبانی با امریکا، در موج جنایت و کشتار در خاورمیانه دست دارد و همین اکنون به اشاره امریکا یمن را به خاک و خون کشیده است. در وضعیتی که موجی از مسلمانان از عراق و سوریه و یمن و دیگر کشورهای جنگ‌زده مسلمان با قبول ریسک های کلان راهی اروپا می‌شوند، اما دولت عربستان در یک قدمی آنان کوچکترین کمکی با آنان ننمود. به همین دلیل بود که انگلا مرکل صدراعظم آلمان طنزگونه گفت: «کودکان خود را باخبر خواهیم ساخت که پناهجویان و آوارگان سوریه و عراق به ما پناه آوردند درحالیکه مکه به آنها نزدیکتر بود!»**

---




**موقعیت اوباما در بحران سوریه**

کارتونیست: Beeler

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

نویسنده: بهروز پویان

# «مکتب قاره امریکا»، آموزشگاه دیکتاتورها و جانیان



**«کم سراغ داریم کودتا یا نقض حقوق بشری را که در چهل سال گذشته در امریکای لاتین رخ داده و فارغ‌التحصیلان مرکز آموزش نظامی قاره امریکا در آن نقش نداشته باشند.»**

روزنامه «لاس‌انجلس تایمز»، ۳ اپریل ۱۹۹۵

**«مکتب قاره امریکا» مرکزی به خاطر تربیت دیکتاتورها جهت سرکوب جنبش‌های ملی و مترقی در امریکای لاتین است که به وسیله وزارت دفاع امریکا در سال ۱۹۴۶ در «فورت گولیک» پاناما تاسیس و در سال ۱۹۸۴ به ایالت جورجیای امریکا منتقل شد. پس از جنگ دوم جهانی ایده استقلال‌خواهی میان ملت‌های تحت ستم به سرعت پخش شد و ملت‌های امریکای لاتین که سال‌ها تحت استعمار امریکا و فرانسه و اسپانیا قرار داشتند متحدانه برای کسب استقلال برخاستند.**

**کاخ سفید از ترس نفوذ «افکار کمونیستی» به داخل امریکا، این مکتب**

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

را تاسیس نمود تا دیکتاتورهای نظامی را تحت تربیت قرار داده انواع شکنجه دادن‌های فزیکی و روحی را به آنان آموزش دهد. کسانی که در این مکتب مشغول آموختن بودند در کنار تکنیک‌های نظامی، شستشوی مغزی داده می‌شدند. کودتا های امریکایی در اکثر کشورها برای برانداختن دولت‌های ملی به وسیله آنانی صورت می گرفت که از این مکتب فارغ شده اند. این تربیت یافتگان بدون استثنا در کارنامه شان ددمنشی و جنایاتی چون قتل‌عام، تجاوز جنسی، شکنجه‌های جسمی و روحی... را ثبت دارند که به همین دلیل سازمان‌های ضد جنگ و مترقی این مرکز را «مکتب تروریستان»، «مکتب وحشت»، «مکتب کودتا» و غیره نام داده اند.

پوسترهایی برای معرفی چند تن از تربیت‌یافتگان آدمکش امریکای لاتین که توسط نهاد «دیده‌بان مکتب قاره امریکا» انتشار یافته اند.

براساس گزارش سال ۲۰۰۱ «خدمات تحقیقی کنگره» این مکتب از سال ۱۹۴۶ الی ۲۰۰۱ حدود ۶۵۰۰۰ افسر و قومندان نظامی امریکای لاتین را آموزش داده است. تمامی فارغان به جنایات جنگی متهم اند. شماری از دیکتاتورهایی که از این مکتب فارغ شده و تصاویر شان در «تالار مشاهیر» آن مکتب جا دارند قرار ذیل اند:

مانوئل نوریگا دیکتاتور نظامی پاناما
خورخه رافائل ویدلا دیکتاتور نظامی ارجنتاین
روبرتو ادواردو ویولا و فورتوناتو اعضای دولت نظامی ارجنتاین
مانوئل کنترراس رییس پولیس مخفی دولت پینوشه از شیلی

هوگو برانزر از بولیوی
ولادیمیرو مونتیسینوس رییس امنیت ملی پیرو
افرین ریوس مونت از گواتیمالا
روبرتو دی‌ابوسین رهبر گروه‌های مرگ السلوادور
خوان لوپز اورتیز جنرال مکسیکویی مسئول کشتار زاپاتیست‌ها
اینان در کشورهای شان روشنفکران، معلمان، کارگران مترقی و معترض، رهبران اتحادیه‌های کارگری و خلاصه عناصر مترقی را زیر نام «چپ» و «کمونیست» شکنجه و به قتل می‌رساندند.

در اینجا کوتاه به چند نمونه از جنایات درندگانی که از «مکتب قاره امریکا» فارغ شده اند می‌پردازم:


قتل‌عام ۱۱ دسامبر ۱۹۸۱ در قریه «المازوته»

السلوادور: قتل‌عام ۱۱ دسامبر ۱۹۸۱ در قریه «المازوته». این قتل‌عام بعدها به همین نام شهریافت. گفته می‌شود تمامی باشندگان این قریه دهقانان و کارگران بودند که در وضع بسیار بد زندگی می کردند و برای حقوق شان مبارزه می کردند.
دولت دست‌نشانده امریکا از ترس قدرت‌گرفتن و کشیده شدن شورش گرسنگان به مناطق دیگر به هراس افتید و به نام «چپ» آنان را قتل‌عام کردند. مسئول این کشتار روبرتو دی‌ابوسین فارغ‌التحصیل «مکتب قاره امریکا» بود. او و تعدادی دیگر افسران هم‌جنسش ۹۰۰ نفر زن و مرد و پیر و جوان را در آن شب قتل‌عام نمودند.

از میان ۱۲ افسری که مسوول این کشتار شناخته شدند ۱۰ تن آنان از «مکتب قاره امریکا» فارغ گردیده بودند.

یک زن السلوادور که نه می‌خواهد نامش گرفته شود در مستند «مکتب قاره امریکا: مکتب تروریستان» می گوید: «من یک زن بی‌سواد هستم ولی همین قدر می‌دانم که هدف از کمک نظامی امریکا ویران کردن امریکای لاتین است. ما دیگر نیاز به کمک‌های نظامی شما نداریم. بروید به مردم نیازمند خود کمک کنید.

**نیکاراگوئه: در زمان دیکتاتوری «سموزا»، دولت امریکا بخاطر سرکوب جنبش ساندنیست‌ها چهارهزار نفر از پولیس ملی آن کشور را آموزش داد که بعدها به نام «کنترا» شهرت یافتند. این جانیان هر آنکسی را که با ساندنیست‌ها رابطه فامیلی داشتند از بین بردند.**



گروهی از درندگان «کانترا» که جهت سرکوب ساندنیست‌ها توسط دولت امریکا ساخته شد.

**آنان در مدت کوتاه بیش از پنجاه‌هزار تن را به نام «کمونیست» و «شورشی» کشتند.**

**گواتیمالا: جنرال ویکتور گرامو از برجسته‌ترین سخنرانان فارغ ۱۹۹۱ «مکتب قاره امریکا» بود. او تمامی قتل‌عام‌های گواتیمالا را طرح‌ریزی می‌کرد و در مطبوعات آنرا قانونی جلوه می‌داد. گروپ حقوق بشر او را عامل کشتار دوصدهزار زن و مرد شناخت.**



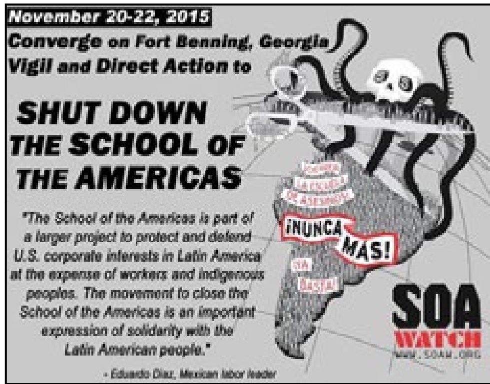
جنایات ریوس مونت، دست‌نشانده امریکا در گواتیمالا

**هندوراس: پولیکارپو پاز گراسیا فارغ‌التحصیل سال ۱۹۵۹ از «مکتب قاره امریکا». او از سال ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۲ رییس دولت هندوراس بود که در قتل‌عام و شکنجه و بدرفتاری با مردم دست باز داشت. در همین زمان او یک‌جا با سی.آی.ای در قلع و قمع چپی‌ها نقش برجسته داشت.**

**پس از اعتراضات گسترده سازمان‌های ضد جنگ در امریکا، دولت جنایت‌پرور آن کشور به ظاهر این مکتب را بست و نام آنرا به «انستیتوت همکاری امنیتی نیم‌قاره غربی» تغییر داد اما به شکل گذشته پرورش جنایتکارترین دیکتاتورها و آدم‌کشان در آن ادامه دارد. سنای امریکا برای سال ۲۰۱۵ بودجه این نهاد را چهار میلیارد دالر تصویب نمود.**

**در سال ۱۹۹۰ نهاد غیر دولتی به نام «دیده‌بان مکتب قاره امریکا» توسط**

شماری از افراد آزادیخواه تشکیل شد و همه ساله در ماه نوامبر جلو این مکتب در تقبیح قتل‌عام السلوادور تجمع می‌کنند. این نهاد دیتابیسی دارد که فارغان این مکتب و جنایات آنان را مستندسازی می‌کند.



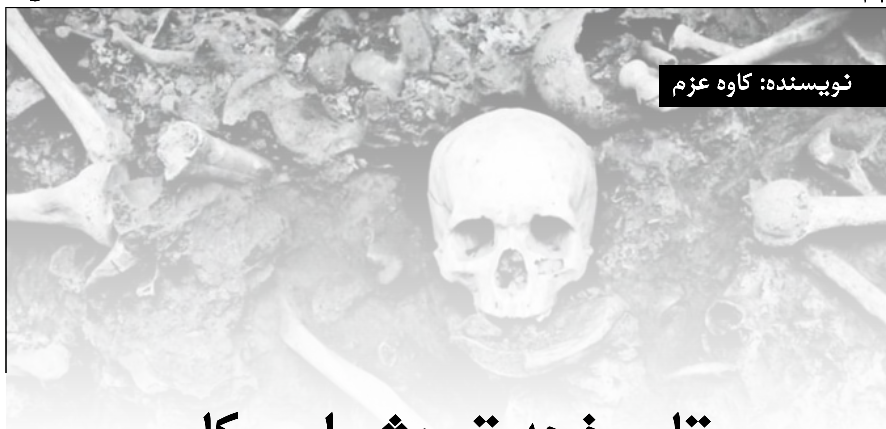
مکتب قاره امریکا را متوقف کنید

دولت امریکا بخاطر جلوگیری از اعتراضات گسترده مردم حال به جای دعوت محصلان به کشور خودشان در فراوان کشورهای جهان مراکز آموزشی راه اندازی نموده که در آن افراد جانی و آدمکش را تحت تربیت گرفته و بر آنان منحیث نوکرانش سرمایه‌گذاری می‌کند. تا زمانیکه سیستم استعماری در امریکا پابرجاست، حاکمان آنجا بخاطر ثروت‌اندوزی حاضرند میلیون‌ها انسان را قربانی کنند و کشورهای را یکی پی دیگری به خاک و خون کشند. یگانه راه بیرون رفت از این وضعیت اتحاد و یکپارچگی مردم پابرهنه جهان است تا در مقابل این کشور تروریست‌پرور مقاومت نموده دست های خونین آنرا از سرنوشت خود کوتاه نمایند.

---



شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵



نویسنده: کاوه عزم

# تاریخچه توحش امریکا در گواتیمالا



جمهوری گواتیمالا کشوری کوچک در امریکای مرکزی است که حدود ۱۳ میلیون نفوس دارد و از جمله دهها کشوریست که زخم‌های تجاوز، چپاول و جنایات دولت امریکا را در تاریخش ثبت نموده است. قبل از کودتای نظامی ۱۹۵۴ حکومت دست‌نشانده امریکا تحت رهبری دیکتاتور بزرگ اوبیکو در آنجا تسلط داشت که این سرزمین را به زندان زحمتکشان و دهقانان مبدل نموده بود. عساکر امریکایی و صاحبان پرقدرت شرکت «یونایتد فروت» [1] زمین‌های دهقانان را مصادره و تمامی بنادر و شرکت‌های کشتی‌رانی را مطلقا در تصاحب داشتند. مردم بی‌نوای گواتیمالا در بدل مزد ناچیز ۳۵ سنت روزانه و سال یکبار رخصتی مجبور به کار بسیار شاق در مزارع کیله بودند و تعداد کثیری در اثر شدت گرمی و کار به تحلیل رفته می‌مردند. این وضع مردم را به ستوه آورد تا این که در سال ۱۹۴۴ به رهبری خوان خوزه آروالو حکومت نظامی اوبیکو سقوط و جمهوری دموکراتیک برپا

می گردد.

آروالو در اولین فرصت با اصلاحات ارضـی، زمین‌هـای مصادره شـده را از چنـگ «یونایتد فـروت» درآورده در اختیار دهقانان بی‌بضاعت قرار داد. یکی از بنادر را نیـز آزاد نمود که از آن پس تمامی کشورهای امریکای لاتین توانستند از طریق آن صادرات و واردات شـان را ادامه دهنـد؛ در هر ایالـت یک مکتب زراعت اعمار نمود؛ کار اجباری و قانون مزد کم لغو و به جای ۱۶ الی ۲۰ ساعت کار، قانون ۸ ساعت را عملی کرد؛ برای نخسـتین بار برای زنان زمینه تحصیل و رای فراهـم گردید؛ دولت بند برق و سرک‌های متعدد احداث نمود و....



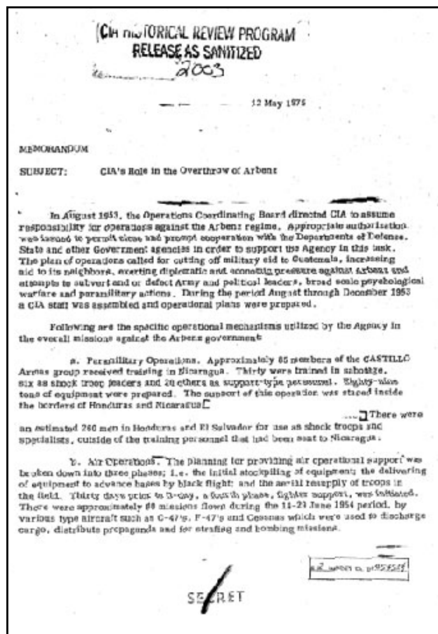

این اصلاحات باعث شـد که حکام امریکایی و صاحبان شـرکت «یونایتد فروت» او را «کمونیست» بنامند. ریچارد پیترسن، سفیر امریکا در گواتیمالا کـه یکی از میلیونرها و صاحب تیاتری نیز به شـمار می‌رفت، از این اقدامات آروالو به شدت خشمگین بود. وی طی نامه‌ای نام هشت تن از «کمونیست»ها را که در دولت فعال بودند به رییس‌جمهور فرسـتاده درخواسـت اخراج آنان را نمود. آروالو در جوابش نوشـت: «دولـت گواتیمالا به اندازه کافی بزرگ و نیرومند اسـت و خود اختیار اسـتخدام و اخراج افراد را دارد. هر فردی که وظایفش را به درستی انجام دهد، می‌تواند شغلش را حفظ کند.»

این جواب آروالو باعث شـد که امریکا کار ساخت شفاخانه بزرگی را در پایتخت آن کشـور متوقف کند. ولی دولت دموکراتیک گواتیمالا از این امر متاثر نشده به جای آن جهت رفع نیازمندی‌های اهالی فقیر، در تمامی قریه‌جات و ایالات شـفاخانه‌های کوچک تاسـیس نمود. دولت گواتیمالا می‌کوشید با استفاده درسـت از منابع سرشار طبیعی کشور نیاز مردم را برآورده سازد ولی سی.آی.ای و پنتاگون از دسیسه و تخریب دست برنداشته و از طریق «یونایتد فروت» به مخالفان دولت آروالو اسلحه می‌فرستادند و کارگران را به اعتصاب تشـویق می کردند. این وضع باعث هرج و مرج در گواتیمالا شـد و در سـال

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

**۱۹۵۰ بعد از استعفای آروالو وزیر دفاع جاکوب اربنز جاگزین وی گردید.**

**جاکوب اربنز به راه آروالو ادامه داد. زمین‌های متباقی «یونایتد فروت» را نیز مصادره نمود و در میان پنج‌صد هزار دهقان توزیع کرد. امریکا از این کار به خشم آمد و از دولت گواتیمالا خواست که در مقابل زمین‌های مصادره شده به «یونایتد فروت» پول بپردازد. ک. بیلز در کتاب «امریکای لاتین دنیای انقلاب» می‌نویسد:**



CIA HISTORICAL REVIEW PROGRAM
RELEASE AS SANITIZED
2003

12 May 1975

MEMORANDUM

SUBJECT: CIA's Role in the Overthrow of Arbenz

In August 1953, the Operations Coordinating Board directed CIA to assume responsibility for operations against the Arbenz regime. Appropriate authorization was issued to permit close and prompt cooperation with the Departments of Defense, State and other Government agencies in order to support the Agency in this task. The plan of operations called for cutting off military aid to Guatemala, increasing aid to its neighbors, exerting diplomatic and economic pressure against Arbenz and attempts to subvert and or defect Army and political leaders, broad scale psychological warfare and paramilitary actions. During the period August through December 1953 a CIA staff was assembled and operational plans were prepared.

Following are the specific operational mechanisms utilized by the Agency in the overall missions against the Arbenz government:

a. Paramilitary Operations. Approximately 85 members of the CASTILLO Armas group received training in Nicaragua. Thirty were trained in sabotage, six as shock troop leaders and 20 others as support-type personnel. Eighty-nine tons of equipment were prepared. The support of this operation was staged inside the borders of Honduras and Nicaragua [...] There were an estimated 260 men in Honduras and El Salvador for use as shock troops and specialists, outside of the training personnel that had been sent to Nicaragua.

b. Air Operations. The planning for providing air operational support was broken down into three phases; i.e. the initial stockpiling of equipment; the delivering of equipment to advance bases by black flight; and the aerial resupply of troops in the field. Thirty days prior to D-day, a fourth phase, fighter support, was initiated. There were approximately 80 missions flown during the 14-21 June 1954 period, by various type aircraft such as C-47's, F-47's and Cessnas which were used to discharge cargo, distribute propaganda and for strafing and bombing missions.

SECRET

سند عملیات‌های سی.آی.ای
برای سرنگونی جاکوب اربنز

«وزارت خارجه امریکا، حق مصادره این اموال را پذیرفت، ولی در عوض از دولت گواتیمالا خواست طبق قرارداد منصفانه‌ای قیمت آنها را به طور نقدی بپردازد. این "قرارداد منصفانه" تنها، در مورد "یونایتد فروت" به پانزده میلیون دالر می‌رسید. اربنز در برابر امریکا پایداری کرد و توضیح می‌داد که مالکان خارجی نمی‌توانند استثناء باشند.»

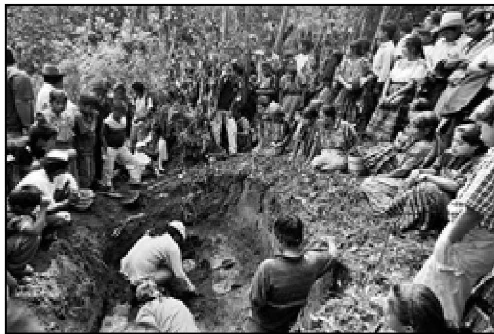


اربنز (Jacobo Árbenz)
کوشید مردمش را به رفاه
برساند اما دولت جنایتکار
امریکا رژیمش را نابود کرد.

**سیاست مستقلانه و آزادیخواهانه، اربنز را نیز در محاصره شدید قرار داد. دولت امریکا تمامی قراردادها و برنامه‌های خود را فسخ و تحریم‌های شدید اقتصادی بر این کشور وضع نمود که در نتیجه منابع عایداتی آن که از صادرات کیله و قهوه بود قطع شد. اربنز به ناچار از چکسلواکی خواستار کمک شد. امریکا با استفاده از این فرصت و تبلیغات وسیع علیه دولت گواتیمالا و «کمونیست» خواندن اربنز،**

**توطئه اشغال نظامی را می‌چید. سی.آی.ای، «کتاب سفید» را علیه اربنز و دولتش منتشر کرد که چیزی نبود جز دروغ و افترا. نویسنده «امریکای لاتین دنیای انقلاب» در این مورد چنین می‌نگارد:**

«از نظر امریکایی‌ها کمونیست کسی بود که علاوه بر خیانت به منافع آنها، در انتخابات حزب کارگر گواتیمالا شرکت و یا نام‌نویسی کرده باشد یا عضو سازمانی صلح‌طلب و از امضاکنندگان اعلامیه‌ای در مخالفت با آزمایش‌های اتمی باشد، به شوروی و چین سفر کرده باشد(...)، اتحادیه کارگری و دهقانی تشکیل داده یا دست یک کمونیست را فشرده باشد.»



جنگ در گواتیمالا از ۱۹۶۰ الی ۱۹۹۶ ادامه یافت و جمعا بیش از دوصدهزار کشته بر جا گذاشت که مسوول ۹۳ درصد این کشتارها امریکا و دولت دست‌نشانده‌اش بود.

**طی این دوران سی.آی.ای ۴۸۰ نفر درنده‌خو را آموزش داده تسلیح و تمویل نمود و برای تبلیغات ضد دولتی یک چینل رادیویی نیز براه انداخت. از عملکرد امریکا با وضوح دیده می‌شد که برای حمله آماده است. اربنز در سال ۱۹۵۳ مدارک مفصلی در مورد برنامه تهاجم نظامی امریکا بر کشورش، وجود انبارهای اسلحه در کشتزارهای «یونایتد فروت» و طرز ارسال اسلحه از نیکاراگوا و هندوراس به گواتیمالا را به سازمان ملل فرستاد و خواستار حمایت شد اما این نهاد هیچ توجهی به مدارک مذکور ننمود.**

**علت اصلی مخالفت امریکا با اربنز و تهاجم نظامی به گواتیمالا مصادره زمین‌های «یونایتد فروت» بود. دولت امریکا از طریق این کمپنی سلاح و پول به مخالفان دولت کیوبا و سایر کشورهای امریکای لاتین می‌فرستاد.**

**بازهم در کتاب «امریکای لاتین دنیای انقلاب» می‌خوانیم:**

«چون تمامی روزنامه‌های امریکای لاتین، تهاجم امریکا را که تنها علت آن حمایت از "یونایتد فروت" بود محکوم کردند، امریکا فوراً محاکمه‌ای علیه این شرکت بزرگ برپا کرد تا ظاهر

فریب‌دهنده خود را حفظ کند. ولی هیچ‌کس فریب نخورد. در آن دادگاه هم هرگز اقامه دعوا علیه "یونایتد فروت" نشد.»

**سی.آی.ای به تاریخ ۱۸ جون ۱۹۵۴ گواتیمالا را اشغال و کارلوس کاستیلو آرماس رییس پیشین «مکتب جنگ» در گواتیمالا را به حیث رییس‌جمهور جدید آن کشور مقرر نمود. آرماس فرد دیکتاتور و خون‌خوار بود و در اولین اقدام تمامی طرفداران دولت اربنز، افراد تحصیل‌کرده و روشنفکران را به نام کمونیست تیرباران کرد. او با تاسیس کمیته‌ای جهت شناسایی و محاکمه «کمونیست‌ها»، هفتاد هزاز نفر را به جرم کمونیست بودن زندانی و اعدام کرد که اکثریت زندانیان لادرک شدند. دولت آرماس زمین‌های دهقانان را دوباره غصب و به «یونایتد فروت» تحویل داد. مکتب‌های زراعتی را مسدود و شرکت‌های دولتی را خصوصی کرد.**



۱۹۹۶: جنگهای داخلی گواتیمالا

**طی همین سال‌ها مقاومت مردمی و مبارزات چریکی اوج گرفت. «ارتش چریکی بی‌نوایان» به وجود آمد که دوصد و هفتاد هزار عضو داشت. امریکا و دولت دست‌نشانده آن در گواتیمالا بخاطر خاموش کردن آتش مبارزه دست به سرکوب شدید چریک‌ها زدند. در سال ۱۹۷۰ «یو.ایس.اید» نزدیک به ۳۰ هزار تن پولیس را آموزش داد تا مبارزان «مایا» (دهقانانی که بخاطر بدست آوردن زمین‌های خود پیکار می‌کردند) را نابود کنند. بر اساس کتاب «کشتن امید» (Killing Hope)، ریوس مونت دیکتاتور نظامی و نوکر امریکا قتل‌عامی به راه انداخت که ظرف یک دهه منجر به از بین رفتن تمامی مخالفانش گردید. ویکتوریا سنفورد در کتاب «رازهای دفن‌شده: حقایق و حقوق بشر در گواتیمالا» می‌نویسد که مسوولیت این قتل‌عام به‌دوش «یو.ایس.اید» است زیرا این نهاد کمک مالی و تسلیحاتی در اختیار پولیس گذاشت.**

**با وجود جنایت و توطئه و انواع فشارها، چریک‌ها به مبارزه خود ادامه دادند تا بالاخره در سال ۱۹۹۶ دولت گواتیمالا مجبور به مذاکره و صلح شد.**

**این جنگ‌ها از ۱۹۶۰ الی ۱۹۹۶ ادامه یافته و جمعا بیش از دوصدهزار کشته بر جا گذاشت که مسوول ۹۳ درصد این کشتارها امریکا و دولت دست‌نشانده‌اش بود.**



تصاویر و اسامی افرادی که در جریان جنگ‌های داخلی گواتیمالا ناپدید و یا کشته شدند.

**در سال ۱۹۹۹ بل کلنتن، رییس جمهور وقت امریکا ضمن دیدار از گواتیمالا، بصورت نمایشی از مردم آنجا بخاطر براندازی حکومت اربنز معذرت‌خواهی نمود. و در سال ۲۰۱۱ دولت خود این کشور از پسر اربنز بخاطر اتهامات و کودتا علیه او عذر خواست.**




گواتیمالا در نقشه

**اما امروز هم با گذشت نزدیک به ۲۰ سال از جنگ‌های داخلی گواتیمالا، امریکا در آنجا حضور داشته و جهت سرکوب مبارزان امریکای لاتین از طریق این کشور به شبه‌نظامیان کمک مالی و تسلیحاتی می‌فرستد.**

**پاورقی:**

۱ـ «یونایتد فروت» در سال ۱۸۹۹ توسط دو شرکت بزرگ امریکایی تاسیس گردید که کوشید صادرات کیله را در انحصار خود گرفته و به کمک دولت امریکا در مدت کم بر بنادر تجارتی کشورهای امریکای لاتین تسلط حاصل نماید. «یونایتد فروت» در گواتیمالا از نفوذ و قدرتی برخوردار بوده که حتی رییس‌جمهور و وزاری کابینه را انتخاب می‌کند. در زمان دیکتاتوری «اوبیکو» از پرداخت مالیه به حکومت سرباز زد و مزد کارگران را تا ۳۰ سنت پایین آورد. در سال ۱۹۵۰ عاید سالانه این شرکت ۶۵ میلیون دالر (دو چند عاید دولت گواتیمالا) بود.

شماره ۳۶، میزان ۱۳۹۴ - اکتوبر ۲۰۱۵

لیکونکی: سیدرحیم شریفی

# د پنتاګون یو پټ لاسوند د امریکا او داعش له اړیکو پرده پورته کړه




د پنتاګون (د امریکا دفاع وزارت) ۲۰۱۲ کال یو لاسوند چې د ۲۰۱۵ کال د مې په میاشت کې خپور شو دا په ډاګه کوي چې د امریکا دولت «داعش» سره د مبارزې پر ځای، دغې ترهګرې ډلې ته په مرسته رسولو، د ویجاړۍ او وژنې دغه لښکر منځ ته راوړ ترڅو د بشار اسد دولت پر وړاندې د استراتژیکې وسلې په توګه ترینه ګټه پورته کړي او ددې ترڅنګ عراق ته د امریکایي پوځیانو بیا راتګ زمینه برابره کړي.

د «امریکا بنسټیز حقونو» سازمان د «مالوماتو آزادۍ» قانون پربنسټ د یوې محکمې له لارې د امریکا دولت دې ته اړ که چې ځینې پټ دولتي لاسوندونه خپاره کړي، که څه هم ددغو لاسوندونو ډیری برخه پوښل شوې ده.

نفیس احمد، امریکایي ورځپاڼې لیکونکی، د لاسوندونو له منځه، یو لاسوند وڅیړه چې په کال ۲۰۱۲ کې د پنتاګون له لوري د هغه هیواد بهرنیو

چارو وزارت ته لیږل شوی وه. دا لاسوند په ډاګه کوی چی د امریکا دولت د فارس خلیج څنډې هیوادونو او ترکې په مرسته، د عراق القاعده او نورو سلفی ترهګرو ډلو څخه ملاتړ وکړ او دا وړاندوینه کیده چی په راتلونکی کی به له دوی څخه په عراق او سوریه کی «اسلامی دولت» ډله منځ ته راځي.

A. INTERNALLY, EVENTS ARE TAKING A CLEAR SECTARIAN DIRECTION.

B. THE SALAFIST, THE MUSLIM BROTHERHOOD, AND AQI ARE THE MAJOR FORCES DRIVING THE INSURGENCY IN SYRIA.

C. THE WEST, GULF COUNTRIES, AND TURKEY SUPPORT THE OPPOSITION; WHILE RUSSIA, CHINA, AND IRAN SUPPORT THE REGIME.

TRAIN THEM ON THE IRAQI SIDE, IN ADDITION TO HARBORING REFUGEES (SYRIA).

C. IF THE SITUATION UNRAVELS THERE IS THE POSSIBILITY OF ESTABLISHING A DECLARED OR UNDECLARED SALAFIST PRINCIPALITY IN EASTERN SYRIA (HASAKA AND DER ZOR), AND THIS IS EXACTLY WHAT THE SUPPORTING POWERS TO THE OPPOSITION WANT, IN ORDER TO ISOLATE THE SYRIAN REGIME, WHICH IS CONSIDERED THE STRATEGIC DEPTH OF THE SHIA EXPANSION (IRAQ AND IRAN).

D. THE DETERIORATION OF THE SITUATION HAS DIRE CONSEQUENCES ON THE IRAQI SITUATION AND ARE AS FOLLOWS:

--1. THIS CREATES THE IDEAL ATMOSPHERE FOR AQI TO RETURN TO ITS OLD POCKETS IN MOSUL AND RAMADI, AND WILL PROVIDE A RENEWED MOMENTUM UNDER THE PRESUMPTION OF UNIFYING THE JIHAD AMONG SUNNI IRAQ AND SYRIA, AND THE REST OF THE SUNNIS IN THE ARAB WORLD AGAINST WHAT IT CONSIDERS ONE ENEMY, THE DISSENTERS. ISI COULD ALSO DECLARE AN ISLAMIC STATE THROUGH ITS UNION WITH OTHER TERRORIST ORGANIZATIONS IN IRAQ AND SYRIA, WHICH WILL CREATE GRAVE DANGER IN REGARDS TO UNIFYING IRAQ AND THE PROTECTION OF ITS TERRITORY.

نفیس احمد د براد هوف، امریکا سمندري سرتیري له خولې چی د عراق جګړې په لومړیو کلونو کی دنده ترسره کوله داسی لیکی:

«د امریکا څارګرې اداري د عراق او شام اسلامی دولت رامنځ ته کیدو وړاندوینه کړی وه، ولی ددی پر ځای چی دا ډله د دښمن په توګه و پیژني، له هغې څخه یی د امریکا استراتژیکی وسلې په توګه ګټه واخیسته.»

د آلمان «یونګه ولت» ورځپاڼې د ۲۰۱۵ کال د می په ۲۶مه نیټه دغه پټ لاسوند په اړه یوه لیکنه خپره کړه چی رضا نافعی هغه په پارسی ژباړلی ده. د لیکنی په یوه برخه کی داسی راغلي:

«د پنتاګون څارګر سازمان په خپل دري کلن راپور کی

تینګارکوی چی "سوریه کـه د ناآرامیـو غزیـدل" ورځ تربلی "پرګنیزه لاره" وهی او "په عراق کی سلفیان، اخوالمسلمین او القاعده د سوریی ناآرامیو اصلی لامل دي."

د پنتاګون څارګر سازمان وړاندوینـه کوی چی پدی ډول د "اسلامی دولت" اوچتیدل د سوریی ناآرامه کولو لپاره د امریکا استراتیژۍ مستقیمه پایله ده. پدی راپور هیڅ ډول د شک ځای نشـته چی امریکا له سـلفی ترهګرو ملاتړ نوی کړای. برعکس، پدی لاسـوند کی د "سـلفی خلافت" چی له القاعده سره په تړاو کـی وی رامنځ ته کیدل، په سـیمه کی د واشـنګټن موخو پلی کولو او سـوریی رژیم بدلولو او "شیعه واک زیاتوالی" مخ نیولو لپاره یو "استراتژیک چانس" بلل شوی دی.»



له «داعش» او نورو ترهګرو ډلو څخه د امریکا او لویدیځ ملاتړ ددی لامل ګرځیدلی چی په عراق او سوریه کی بی‌ساری ځناورتوب په لاره واچول شوی او ورځ تر بلې د شډلتیا دغه سیلۍ نورو هیوادونو ته غزیږی او نړۍ یی له یو لوی ګواښ سره مخ کړی ده. دغو ډلو په ټول‌وژنو سره تر اوسه د سلګونه‌زره انسانانو ژوند اخیستی او په خاصه توګه د مذهبی‌ډلګیو او ښځو پر وړاندې د هغوی ځناورتوب بی‌ساری دی.

کـه څه هم پورتنی لاسـوند لـه ۲۰۱۲ کال څخه دی، ولی پـه تیرو دری کلونـو کـی په کراتو مونـږ ولیدل چی امریـکا د منځنۍ پیړۍ ترهګری ډلې «داعش» ته وسلوالې مرستې رسوی. د ترکې او قطر زورواکي دولتونه په دغه بشر ضد جنایت که د امریکا شریکان دي.

**نشریات «حزب همبستگی افغانستان» را در کابل و ولایات از آدرس‌های ذیل به دست آورده می‌توانید:**

## کابل

**نمایندگی انجمن نویسندگان افغانستان**
جوار پارک تیمور شاهی

**شرکت کتاب شاه محمد**
چهارراهی صدارت

**کتاب فروشی مقدم**
مارکیت جوی شیر کابل

**انتشارات طیب روشن،**
کوته سنگی، مارکیت مینه یار،
مقابل کورس بهزاد

**کتابخانه وحدت**
نیاز بیک، دکان حاجی

**کتاب فروشی معلم محمد وحید**
د افغانستان آریانا مارکیت، دکان اول

**کتاب فروشی رفیع الله**
پل باغ عمومی، لب سرک، زیر پشتنی بانک

**انتشارات تمدن شرق**
بین چهارراهی دهبوری و چوک کوته سنگی، مقابل لیسه رحمن بابا

## هرات

**کتاب و قرطاسیه فروشی عبدالجبار "یعقوبی"**
جکان غوند یازده،
مقابل مکتب متوسطه خلیل الله خلیلی

## بلخ

**کتاب فروشی عبدالغفور عرفانی**
**کتاب فروشی عبدالرازق انصاری**
مزار شریف، چهارراهی بیهقی،
پوسته خانه شهری

**کتاب فروشی فیروز**
مقابل نشنل بانک پاکستان

## غزنی

**کتاب و قرطاسیه فروشی توحید**
شهرک البیرونی، جاده خاتم الانبیا

**کتاب و قرطاسیه فروشی احمدی**
پلان سوم، کوچه زیارت خواجه علی

**کتاب فروشی فرهنگ ۱**
جوار کتابخانه عامه

**کتاب فروشی فرهنگ ۲**
سرک تانک تیل کهنه، رسته نجارها

## ننگرهار

**غرفه فروش اخبار و مجلات جمیل شیرزاد**
جلال آباد، چوک تلاشی،
مقابل گمرک کهنه

**کتابفروشی سیار**
ولسوالی خیوه

## کندز

**قرطاسیه فروشی محمد هارون**
جاده ولایت

## کنر

**کتابفروشی احمد ظاهر**
چغانسرای، سرک قومندانی

## تخار

**فوتوکاپی آمو، نجیب الله رحیمی**
تالقان، بندر بدخشان، مقابل فوائد عامه،
دکان نمبر ۱۰

## فراه

**کتابفروشی عزیزی**
واقع ناحیه سوم،
مقابل لیسه نفیسه توفیق میر زایی

## هموطنان درد دیده،

**اگر خواهان افغانستان مستقل، آزاد و دموکرات هستید؛ اگر آرزوی سربلندی افغانستان و آسایش مردم مظلوم ما را به دل دارید؛ اگر تلاش می‌ورزید علیه جنایات و خیانت‌های اشغالگران و نوکران میهن‌فروش شان نقشی ادا کنید، به «حزب همبستگی افغانستان» بپیوندید و در تکثیر و پخش نشریات حزب تان هرچه بیشتر و وسیع‌تر بکوشید!**


آدرس: پست بکس شماره ۲۴۰، پسته خانه مرکزی
کابل ـ افغانستان

موبایل: 0093-700-231590
ایمیل: info@hambastagi.org
سایت: www.hambastagi.org
فیسبوک: FB.com/Afghanistan.Solidarity.Party
facebook.com/hambastagi
تویتر: twitter.com/hambastagi
یوتیوب: youtube.com/AfghanSolidarity


**«حزب همبستگی افغانستان» برای پیشبرد فعالیت‌هایش به حق‌العضویت اعضا و اعانه‌ی هواداران و دوستدارانش اتکا دارد. با کمک‌های نقدی‌تان ما را یاری دهید:**

Azizi Bank
Koti-e-Sangi Branch, Kabul, Afghanistan
Name: Sayed Mahmood
Account No: 001903204644917

THE Voice of Solidarity
(HAMBASTAGI GHAG)

36

OCTOBER 2015

A Monthly Publication of the Solidarity Party of Afghanistan

# ساخت منار شهید فرخنده به همت جوانان همبستگی و مساعدت مردم

صفحه ۱۶







قیمت: ۲۵ افغانی